



آرمان

شماره ۱۹-۲۰ مرداد- شهریور ۱۳۶۵

نشریه دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران



تخت نیول مهاجرین ایرانی در مقابل
کونسولتری آمریکا در استانبول

Umutsuz bekleyiş İstanbul Tepebaşı'ndaki ABD Konsolosluğu'nun önü her gün vize için gelen İranlılarla dolu. Bu çileli bekleyiş bazen yağmur altında saatlerce sürüyor. Sonunda sevinenlerin sayısı ise, yok denecek kadar az. 1985'te yapılan 19 bin başvurudan sadece 380'i olumlu sonuçlandı ve "göçmen vizesi" aldılar.

ما و مهاجران

صفحه

- ۱- ما و مهاجران ۳
- ۲- نامه سرگشاده به جوانان و دانشجویان مترقی جهان ۴
- ۳- مقاومت زندانیان سیاسی ۵
- ۴- گنهای مقاومت ۷
- ۵- "شرکت مردم در فرهنگ" یا تثبیت آموزش طبقاتی ۸
- ۶- پرداخت ارز تحصیلی یا "معامله نیم برگی" ۹
- ۷- تیریک برای انتشار "آینده" ۹
- ۸- نامه‌ای که در مدارس تهران پخش شد ۱۰
- ۹- معلولان ورزشکار یا ورزشکاران معلول ۱۱
- ۱۰- بر دانشجویان ایرانی در اخراج چه می‌گذرد؟ ۱۳
- ۱۱- دارالفنون ۱۴
- ۱۲- برای استفاده مسالمت‌آمیز از فضای کیهانی ۱۶
- ۱۳- آرام بخوابید، این تکرار نخواهد شد ۱۸
- ۱۴- اندریک ناظر ۱۶
- ۱۵- در سیوند دولت و سرمایه بربک اسب سوارند ۲۰
- ۱۶- اشعار رسیده ۲۲
- ۱۷- نواستعمار در عرصه آیدئولوژی ۲۴
- ۱۸- دکترا سی سوسیالیستی و دکترا سی بورژوازی ۲۶
- ۱۹- اتیوپی در راه سوسیالیسم ۲۷
- ۲۰- به مناسبت ۱۳۰ امین سال تولد دیمیتر بلاکوف ۳۰
- ۲۱- مصاحبه با دبیر اول سازمان جوانان اسپانیا ۳۴
- ۲۲- در کاتادا دهها حزب و سازمان، فراخوان ۳۷
- ۲۳- "ادیسی" برای آزادی زندانیان سیاسی را امضا کردند ۳۷
- ۲۴- گفته‌ها و نکته‌ها ۳۸
- ۲۴- آموزش در آلمان دموکراتیک ۳۹
- ۲۵- محروم از حقوق کودکان ۴۱
- ۲۶- جوانان و دانشجویان در ج ۱۰ ۴۳
- ۲۷- جوانان و دانشجویان در جهان ۴۴

آرمان - نشریه دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران
 دوره سوم - سال دوم - شماره ۱۹ - ۲۰ - مرداد - شهریور ۱۳۶۵
 بها معادل ۲ مارک آلمان فدرال

ما و مهاجران

و پراکنده گی ، بیم و امید ، پناهندگی را به آوارگی و درماندگی می رساند . تخی این رها باز هم حدت می یابد ، وقتی که سردمداران حکومتها کسی کند ر کشورها پنهان پناهندگان بسر می برند موضوع پناهنده ها را بطور کلی ، و پناهندگی ایرانیان را در ایام اخیر بطور خاص در ستاویز پیشبورد سیاست ارتجاعی در کشور خوش می سازند و بسا ایجاد محیط ترس و بیم ، فضای روانی ضد خارجی را در جامعه خود شدید می کنند . در اجرای همین سیاست در کانادا حتی هجوم مردم به مکانهای زندگی پناهنده ها سازمان داده شد ، در فرانسه "مجاهدین خلق" اختراچ شدند و هرگونه حرکت و فعالیت از نیروهای مترقی خارجی سلب و فشار دیدم بیشتر به آنها تحمیل می گردد . در آلمان فدرال و هم چنین در برلین غربی به عمد و به قصد تحریک افکار عمومی ، پناهنده ها را در مکانهای عمومی تر ، نظیر پارکها و میدانهای ورزشی ، در درون چادرها و آلبونکهای چوبی و فلزی به نحوی جا می دهند که در معرض دید شمار بیشتری از مردم عادی قرار گیرند . به درگیری های مصنوعی در درون پناهنده ها می افزایند و آنها را با آب و تاب در رسانه های عمومی منتشر می کنند ، حتی تغییر قانون پناهندگی در دستور کار قرار می گیرد و موضوع پناهنده ها تا سطح تم اصلی و اساسی کارزار انتخاباتی دولت حاکم ارتقا می یابد

علت پناهندگی بخشی از لایه های اجتماعی جامعه ما روشن است : جنگ و بحران ، اختناق و سرکوب ، بیابان شهرها و روستاها ، گسیل اجباری جوانان و نوجوانان به چپه ها ، استبداد های خاتمه به خانه و خیابانی برای شکار آنها ، ظلم و تعدی باز هم بیشتر به زنان ، نژادی ، تهر ، فساد ، اعتیاد و فقدان هرگونه دورنما و امید نسبت به کار ، تحصیل ، تفریح و بطور کلی نسبت به آینده . . . به این سیاهه که همه برخاسته از ریشی است پختای ارتجاعی ، قرون وسطائی و بیگانه با هرگونه ارزشهای علمی فرهنگی و اخلاقی ، می توان باز هم افزود . چرا بقیه در صفحه ۶

در ایام اخیر ، مهاجرت ، پناهندگی و آوارگی ابعاد وسیعی پیدا کرده است . خبرهای رسیده حاکی آنست که هم چنان بسر شمار کسانی که ایران را به بهانه مسافرت به ترکیه ولی به قصد فرار از جهنم خمینی تسرک می کنند افزوده می شود . عبور خطرناک از مرزهای ترکیه و پاکستان بصورت غیر مجاز نیز ادامه دارد . بسیاری از کسانی که بشکل قانونی خود را به یکی از کشورهای اروپای غربی می رسانند و بلافاصله به انبوه پناهندگان می پیوندند . سیل فرار از کشورهای در آنچه که بیان شد محدود نمی ماند ، بلکه شمار زیادی نیز خود را به شیخ نشینها و عراق می رسانند و در جستجوی راه مغبری ، سرگردان ، آواره و درمانده می شوند . گفته می شود که فقط در ترکیه ده ها هزار ایرانی رنج آوارگی را به ماندن در شرایط ترور و اختناق رژیم خونریز خمینی ترجیح داده ، زندگی وهست و نیست خود و خانواده اش را بر یاد می دهند انواع فشارها و تضییقات را تحمل می کنند ، ریزها و شبهای زیادی را در پشت در سفارتخانه های خارجی برای اخذ ویزا می گذرانند ، خود را به آب و آتش می زنند ، تن به خطر می دهند ، توسط ناچاقچیان و سوادگران خودی و بیگانه دوشیده می شوند ، در معرض آلودگی های گوناگون قرار می گیرند ، تحقیر می شوند ، ستم می بینند ، فشار پلیس ترکیه را تحمل می کنند . . . و . . . و تنها درصورت ناچیزی راهی به سوی "ارمنوسود" پیدا می کنند . در پاکستان و شیخ نشینها نیز وضع بهتر از این نیست در آن دسته از کشورهای اروپائی نیز که ایان پناهگاهی جستجو می کنند ، ریز بروز بر تضییقات و فشارها افزوده می گردد . در اینجا دیگر تب و تاب عبور از کشورهای مرزی نیست .

رئای پناهندگی و زندگی در "هایم ها" ، بیکاری و بلا تکلیفی ، بیگاری و تحقیر ، تنهائی

نامه سرگشاده به

جوانان و دانشجویان مترقی جهان

دوستان عزیز!

۳۱ شهریور ماه ۱۳۶۵ مصادف است با ششمین سالگرد جنگ خانمانسوز ایران و عراق، جنگی که تنها فاجعه و ویرانی برای هر دو کشور همسایه به ارمغان آورده است.

جنگ ایران و عراق که به تحریک امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع محلی آغاز گردید تا کنون به موجب اخبار منتشره در مطبوعات جهان سبب کشته و زخمی گردیدن بیش از ۱ میلیون نفر شده است. افزون بر این تنها در کشور ما حدود ۲ میلیون نفر از خانه و آستانه خود آواره گردیده اند. خسارتهای اقتصادی به هر دو کشور به صد ها دلار ستر می زند.

در طول جنگ، هر دو رژیم حاکم بر ایران و عراق مرتباً قوانین بین المللی را نقض کرده اند. در این زمینه می توان از جمله به: استفاده از سلاحهای شیمیایی، رفتار وحشیانه با اسیران جنگی و بیناران مناطق مسکونی و کشتار مردم بیگناه اشاره کرد.

در کشور ما جوانان قربانیان اصلی این فاجعه هستند. اکثریت کسانی که در جبهه ها کشته و زخمی می شوند از میان جوانان زحمتکش میهن ما در سنین ۱۲ تا ۲۵ سالند. در حال حاضر به اعتراف خود سران رژیم جمهوری اسلامی: ۵۲ هزار نفرهای بسیجی را جوانان زیر ۲۵ سال تشکیل می دهند. زیر آموزش و پرورش رژیم در مصاحبه خدی در ۲۵ فروردین ماه ۱۳۶۵ اعلام کردند: در سال ۶۴ بیش از ۱۰۰ هزار دانش آموز، بیش از ۳۰ هزار معلم و در حدود ۸ هزار دانشجوی مرکز تربیت معلم در جبهه های جنگ حضور یافته اند.

آمار و ارقام بالا تنها گوشه ای از سیاست جنایتکارانه رژیم علیه جوانان کشور ماست. رژیم جمهوری اسلامی که با بحران عمیق اقتصادی -

اجتماعی روبرو است، از جنگ به عنوان سلاحی در جهت حفظ نظام قرون وسطایی حاکم و سرکوب هرگونه صدای اعتراض زحمتکشار کشور استفاده می کند.

رژیم جمهوری اسلامی نه تنها به تمامی پیشنهاد های ارائه شده در زمینه صلح و پایان جنگ جواب منفی داده، بلکه در ماههای اخیر اعلام کرده است که قصد دارد با "تجهیز ۴ میلیون نفر با یک حمله بزرگ نهائی" جبهه را به "پایان پیروزندانه" خود برساند. در نتیجه، این سیاست جنایتکارانه کشور ما به حالت نیمه تعطیل درآمده و تمامی امکانات دولتی و در جهت اجرای هدفهای تولید سران رژیم بسیج شده است. بخش مهمی از مدارس، موسسات عالی آموزش و دانشتاهای کشور به حالت نیمه تعطیل و یا تعطیل درآمده و دانش آموزان و دانشجویان دسته دسته به زور به جبهه ها اعزام می گردند. رژیم در شهرهای مختلف تیمهای شارب راه انداخته است تا جوانان را دستگیر و روانه جبهه ها کنند. زیر آموزش و پرورش رژیم اعلام کرد که در سال ۱۳۶۵: "یک میلیون دانش آموز سال دوم راهنمایی زیر پوشش آموزش نظامی قرار خواهند گرفت."

دوستان عزیز!

جوانان و دانشجویان میهن ما را در دشواری را از سر می گذرانند، ۴۰-۲۰ درصد بیگاری، اعتیاد، عدم امکانات تحصیلی، ورزشی و تفریحات از سوی و فقر مالی از سوی دیگر، میلیونها جوان ایرانی را آزار می دهد.

تنها کافی است اشاره کنیم که در سال ۱۳۶۵ از میان ۵۸۰/۰۰۰ جوان دپلمه که در آزمون سراسری دانشگاههای کشور شرکت کرده اند تنها ۴۰/۰۰۰ نفر، بعد از گذشتن از سد بقیه در صفحه ۷

مقاومت زندانیان سیاسی



پیش از یکصد هزار تن از اعضا و هم‌واداران نیروهای انقلابی، این فرزندان راستین خلق - های ایران در پشت میله های زندان های جمهوری اسلامی اسیرند. کثرت زندانیان سیاسی و رفتار بربرشانه زندانیان و شکنجه گران رژیم با زندانیان و نشانه انفراد رژیم در میان خلق و ترس آن از اعتلای مبارزه توده ها و نیروهای انقلابی است. ایجاد ده ها ارگان جاسوسی و سرکوبگر، بازداشت های وسیع و غیر قانونی، اعمال شکنجه های وحشیانه در حق زندانیان سیاسی، محروم کردن زندانیان از ابتدائی ترین حقوق انسانی، ایجاد شرایط فیزیکی و روانی دشوار برای زندانیان، محاضرات در بسته و فرمایشی و صدور احکام جابرانیه حبس و تیرباران، پاسخ رژیم ضد خلقی ج ۱۰ به توده های تحت ستم میهن ماست که برای دست یافتن به خواسته های حق طلبانه خود و بویژه برای پایان دادن به جنگ پای در عرصه مبارزه گذاشته اند. پایداری زندانیان سیاسی در زندان های رژیم و تسلیم نندیدن در برابر خواست دژخیمان، بازتاب مبارزه خلق علیه رژیم در بیرون از زندان ها است. خبرهایی که از زندان ها می رسد نشان می دهد که مقاومت های فردی و جمعیتی زندانیان روبه افزایش است. نکته پراهمیت مبارزه سازمان یافته زندانیان سیاسی در سطح بند بند ویا یک زندان سیاسی علیه تصمیمها و دستورهای مقامهای زندان است. در جریان این مقاومت و مبارزه، زندانیان سیاسی از همه گروهها و سازمانها و احزاب انقلابی متحد شرکت می کنند. اعضا و هم‌واداران نیروهای سیاسی انقلابی در زندان ها، ضرورت همکاری و اقدام متحد علیه رژیم را با گوشت و پوست خود لمس می کنند. دلسر نموده هایی از مقاومت زندانیان در ماه های اخیر ثبات و وسعت همکاری نیروهای انقلابی در بند است:

اکثر بند های زندان های امین و قزل حصار

نیروی های توپ همچون یک یا دو سال پیش قادر به کنترل فعالیت زندانیان سیاسی نیستند. البته توابینی نامگان بعنوان یک نیروی فشار روانی علیه زندانیان بکار گرفته می شوند.

در بهار امسال مقامهای زندان، از زندانیان سیاسی خواستند که محوطه های ملاقات را شخصا نظافت کنند. زندانیان سیاسی از اجرای این دستور سر باز زدند و نظافت این محل را از وظایف زندانیان دانستند.

از تعداد شرکت کنندگان در مراسم فرمایشی مذهبی ریز بروز کاسته می شود. روحیه مقاومت زندانیان بر برخی از توابین نیز اثر می گذارد. برای واداشتن زندانیان به شرکت در اینگونه مراسم شکنجه های وحشیانه اعمال می شود. مثلا یک زندانی مرد را به این دلیل که حاضر نشده بود در ماه رمضان قرآن بخواند به مدت یک ماه سسترا تحت شکنجه قرار دادند. کلیه های این زندانی در اثر شدت شکنجه با کابل آسیب دید، معصدا تسلیم نشد.

برای کسب اطلاعات تشکیلاتی ویا واداشتن زندانی به اظهار ندامت او به فعالیت سیاسی خود زندانیان را بشدت مورد شکنجه قرار می دهند

سازمان یافته علیه توده ها و نیروهای انقلابی عمل می کنند تنها و تنها با ایجاد جبهه ها و احادی از کلیه نیروهای انقلابی می توان ایستادگی کرد . تنها چنین جبهه ای قادر است پیروزی را نصیب خلق کند . بر نکات مشترک باید تاکید کرد . آزادی کلیه زندانیان سیاسی یکی از نکات مشترک در برنامه همه نیروهای انقلابی ایزیسون رژیم چ ۱۰ است . برای آزادی زندانیان سیاسی برای سرنگونی رژیم دیکتاتوری قرون وسطائسمی چ ۱۰ و برای انجام تحولات بنیادین به سود توده های خلق متحد شیم !

اما جو عمومی مقاومت در زندان ها به زندانیان تحت شکنجه روحیه می دهد . نمونه های فراوانی وجود دارد که زندانیان علیرغم سخت ترسیدن شکنجه ها به دلچسپان اطلاعات نمی دهند و از گذشته خود ابراز پشیمانی نمی کنند . یک زندانی مرد را آندر شکنجه دادند که یکی از بیضه هایش کاملاً له شد معبدا نسبت به گذشته سیاسی خود ابراز تنفر نکرد .

اتحاد و عمل زندانیان سیاسی در برابر رژیم چ ۱۰ درس بزرگی برای همه نیروهای دمکراتیک و انقلابی است . در برابر دشمنان خلق که بطور

ما و مهاجران

بقیه از صفحه ۳

آنها که وابسته به اردوگاه ارتجاعی سلطنت هستند و در پناه و حمایت آریابان داخلی و خارجی خود هستند بگذریم ، مهاجرین در اکثریت خود تن به مهاجرت ناخواسته داده اند . و در پیوند با کشور ، فرهنگ ، سن و مردم خود هستند ، مشکلات و گرفتاریهای بسیار دارند و در این میان تنها معدودی از جوانان زمینه داده ، تحصیل پیدا کردند . ارتجاع سلطنتی و ذلیف نرینده ، آنها و نشانهای اصرافرترا همه تلاش و کوشش خود نتوانسته است راعی در میان مهاجران پیدا کند . تا جفا آنجا است که نیروهای مردمی و مترقی نیز عید تا به سبب غرقه و برانگیزی خود و از آنجا که نتوانسته اند برای جلب و همبستگی و پیوستگی بین آنان در راستای فصل مشترک مسائل ، مشکلات ، نیازها و خواسته هایمان اقدام مؤثری کنند ، راهی در بیان آنان نداشته اند . به اعتقاد ما ایمن مهاجران در اکثریت خود آمادگی و استعداد آنها دارند که به کوششها و تلاشهای ساله و سازنده در جهت ایجاد همبستگی و پیوند میان خود و جامعه و در جهت جلب همبستگی جهانی در راستای حمایت از مبارزه مردم ایران پاسخ مثبت بدهند . شرط لازم در این راه ، تشریح مافی مشترک بمنظور تنظیم برنامه ای یکپارچه و به دور از گرایشهای ناسالم فرقه ای است . به ایمن خواست ضروری پاسخ دهیم و کار سازنده را در میان مهاجران آغاز کنیم .

که نظام حاکم در جامعه عمیقاً ضد خلقی است و نمی تواند پاسخگوی نیاز جامعه باشد . بحران ، فلاکت و ناامنی محصول عملکرد رژیم است . امروزه این حقیقت ! توده های مردم به تجربه دریافتند و به همین دلیل اکثریت آنها نه تنها مخالف رژیم اند ، نه فقط بنحوی و به شکلی از اشکال مخالفت خود را آشکارا ابراز می دارند ، بلکه مقاومت و مبارزه آنها علیه رژیم و مجموعه سیاست ضد خلقی آن در مواردی اشکالی ملموس و امید آفرین پیدا می کند و هر روز بیش از روز پیش پیشتر این راه جوی و ستیزارنده و عملاً جاری ، برخی از هوولطان مازندگی در نظام جمهوری اسلامی را غیر قابل تحمل دیده و راهی کشورهای خارج شده و می شوند . بدیهی است در این میان ، بجز در ایام اخیر ، جوانان و آئند ستیسه از خانواده هایی که فرزندان نشان در معرفی گیسل اجباری به جبهه های جنگ هستند و یا فرزندان دبیرستانی آنها را خطر اعزام به جبهه تهدید می کند از سهم بیشتری برخوردارند .

به شهادت تاریخ در پنج دهه های از تاریخ کشور ما مهاجرت ابعاد چنین وسیع نداشته است . بالغ بر ۲ میلیون مهاجر ایرانی برانگنده در همه کشورها رقی هون انگیز است . اگر از بخشی از

هر شب ستارهای به زمین می‌شند و باز
این آسمان غم زده غرق ستاره‌هاست.

یادی از آذرنوش

مرداد ماه هر سال علاوه بر اینکه زنده تنسده،
حاطره شوم کودکی ۲۸ مرداد رژیم سلطنتی با
خدمستی امپریالیسم آمریکا است. یاد آور همجیم
همه جانبه پاسداران و نیروهای نظامی جمهوری
اسلامی به دست‌خوشی و تحریک مزدوری چسبون
نعمتی زاده به کردستان نیز می‌باشد. همزمان
با این یورش وحشیانه به خلق کردنی چند از
بهترین فرزندان خلق چون رفقا آذرنوش مهدیان
و شیانی و رفیق فدائی گرجی بیانی به جوخسه
اعدام سپرده شدند. رفیق آذرنوش مهدیان
علاوه بر فعالیت‌های پیگیر در حزب توده ایران
دفتر سازمان جوانان دمکرات کرمانشا را نیز
در اختیار سازمان مذکور گذاشته بود.
یاد و نامشان گرامی باد.



گل‌های مقاومت

بر اساس اطلاعیه هیئت مرکزی سازمان فدائیان
خلق ایران، ده در نشریه شماره ۲۶ فدائیان
سازمان انتشار یافته است، رژیم جمهوری اسلامی
رفیق محمد گودافی قادر بر جسته و ارزشمند
سازمان فدائیان را همراه با عده دیگری از
فرزندان مبارز مردم ایران مخفیانه در زندان این
تیر باران کرده است.
رفیق گودافی از "رزمندگان صفوف فدائی در
جنبش دمکراتیک خلق کرد" و از نادرهای مشول
سازمان در خوزستان و تهران بود که در مهر
۶۳ دستگیر و در بیستم اردیبهشت ۶۵ تیرباران
شده است. در اطلاعیه اسلامی دیگر تیرباران
شده‌ها اعلام نشده است.

نامه سرگشاده به ... بقیه از صفحه ۴

انجمن‌های بررسی‌ها و آزمون‌های ایدئولوژیک، بسته
دانشگاه‌ها راه خواهند یافت و بقیه به خیال
عنیم بیچارگان کشور خواهند پیوست.
هر گونه صدای حق‌طلبی به شکل وحشیانه‌ای
از سوی رژیم سرکوب می‌گردد. ده‌ها هزار تن
از جوانان و دانشجویان مترقی، فعالان جنبش
کارگری، زنان مبارز، زحمتمندان کرد، بلوچ و
ترک که در راه خود مختاری می‌رزمند و اعضا و
مبارزان نیروهای انقلابی و از آنجمله اعضا و
مبارزان حزب توده ایران، سازمان فدائیان
خلق ایران (اشریت) و سایر نیروهای مترقی به
شکست‌های مخوف کشیده شده و بسیاری از
آنها اعدام گردیده‌اند.

جوانان و دانشجویان مترقی!

رژیم جنایتکار خمینی هر روز مرتب جنایتهای

تازه‌ای می‌شود. خیرهای نگران‌کننده‌ای از
ایران بدست ما می‌رسد. رژیم قصد دارد تا با
شعله‌ور تر ساختن آتش جنگ حمام خون تازه‌ای
در منطقه برای بیاندازد. ما از همه شما می‌طلبیم
تا صدای اعتراض خود را علیه این سیاست خدشناک
و جنک طلبانه و در همبستگی با خواهران و
برادران خود در ایران، که در شرایط دشوار
تیر و اختناق مبارزه می‌کنند، بلند کنید.
باید تلاش هرزید تا با تشدید فشارهای
بین‌المللی جلوی تشدید و گسترش این جنک
خانمانسوز را، که می‌تواند منطقه حساس و
استراتژیک خلیج فارس را در آتش خود بسوزاند،
سد کرد.

سازمان جوانان توده ایران

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

ژوئیه ۱۹۸۶

زنده باد همبستگی بین‌المللی دانشجویان جهان!

“شرکت مردم در فرهنگ” یا تثبیت آموزش طبقاتی

پس از خیانت سران ج ۱۰ به آماجهای متحد امپریالیستی و مردمی انقلاب، سیاست گسترش و تلفیق نظام منقطع سرمایه داری در تمام عرصه های زندگی مردم محروم کشورمان، همچنان با سرعت پیش می رود. هفته ای نیست که کارخانه ملی شده ای به صاحب سرمایه داران برگردانده نشود. هفتگی نیست که این باصطلاح حامیان “مستضعفین” مجتمع ساختمانی مصادره شدنی را به مالک قبلی آن پس ندهند و در پی آن دمه ها و صد ها خانواده بی خانمان و بسد ون سرپناه را آواره بیابانها و جلیمی آبادها نکنند. متأسفانه این روند مخرب بدینجا خاتمه پیدا نمی کند. همراه با سلطه سرمایه داران پسر اقتصاد کشور، رژیم ج ۱۰ سرنوشت دیستانها و دبیرستانها نیز به صاحبان سرمایه واگذار می کند. بنا به تصمیم سران حکومت، طرح “اصلاح لایحه قانونی اداره واحد های آموزشی غیر دولتی بصورت دولتی، مصوب شورای انقلاب، در مجلس تصویب شد و بدنیال آن وزارت (نشد) آموزش و پرورش موظف شد ظرف ۲ ماه لایحه مشارکت مردم در امر آموزش و پرورش را تهیه و به تصویب مجلس برساند. (کیهان ۲۴ فروردین ۶۵) این اصلاحیه که در حقیقت در خدمت “مسردم” صاحب سرمایه و با واضح ترین بوی سرمایه داران است، با مخالفت مردم، که شاهد پایمال شدن یکی دیگر از حقوق اساسی آنها که همانا آموزش رایگان می باشد، روبرو شد. حاکمیت ج ۱۰ که به تهاست از اوج گیری جنبش توده ای بر علیه خود احساس خطر شدید کرده و عمر خود را هر روز کوتاه تر از روز دیگر می بیند، سعی در جلوگیری از گسترش و سرپوش گذاشتن بر روی این اعتراضات می کند. خامنه ای در سخنرانی خود به مناسبت روز معلم می گوید: “... باید از کمک مردم برای ایجاد آموزشگاهها استفاده شود،

البته دولت باید نظارت کامل در امر آموزش و پرورش داشته باشد ولی در عین حال باید مدارس خصوصی وجود داشته باشد و در قانون گنجانده شود.” مردم زحمتکش میهن ما می دانند که منظره خامنه ای از مشارکت “مردم” در تأسیس آموزشگاهها، آنها نیستند. با وجود تهور نرزیانده، پایین بودن سطح دستمزدها و... انواع و اقسام منکلات اقتصادی و اجتماعی که مردم محروم ما با آنها شب و روز مبارزه می کنند، چطور می توانند در سرمایه گذاری برای ساختن مدارس شرکت داشته باشند؟ خامنه ای نیز این را به خوبی می داند و در حقیقت او با استفاده از کلمه “مردم” تنها و تنها در پی توجیه این اقدام و عوامفریبی است. در پی این تصمیات، آرزوهای مختلف رژیم، انجام چنین فعالیت هایی را برای حیات تنگین رژیم و “آینده” ج ۱۰ خطرناک تحلیل می کند. این جاسوسان، که هر روز با اعتراضات مردم روبرو می شوند، برای رویا رویی بسا آن می خواهند مبارزات حق طلبانه مسردم را در مبارزات ج ۱۰ و به شکلی که گزندی به هیچکس از سازمانها و ارکان رژیم نرسد، مهار کنند و این باور غلط را در توده مردم مبارز ما جا بیاندازند که در ج ۱۰ با رعایت “اصول شرعی” می توان به حقوق صحنی دست یافت.

خمینی در تاریخ ۱۹ خرداد ۶۵ به مناسبت عید قطر چنین گفت: “... مردم را در همه امور شرکت دهیم. دولت مردم مدار فرهنگ شرکت دهد، مدارس را که مردم می خواهند درست کنند کار شکنی نکنید برایشان... (ابرار ۲۰ خرداد ۶۵)”. رهبر مستضعفان جهان با استفاده از کلمه “مردم” که جز عادات هیبتگی اوست، حکم قانونی “مدارس خصوصی را اعلام کرد و باز هم یکی دیگر از حقوق حقه مردم را پایمال کرد. بدنیال این نطق “سرنوشت ساز” خمینی امامی کاشانی عضو شورای نگهبان در نماز جمعه تهران گفت: “... مملکت را باید مردم اداره کنند و دولت نظارت نماید... عده ای که پول دارند و می خواهند مدرسه ای تأسیس کنند بقیه در صفحه ۱۲

معلولان ورزشکار یا ورزشکاران معلول

تعلیم کاراته در جنبه دعوت کرد. فدراسیون های ورزشی دیگر هم با بیانیه ها و اطلاعیه ها از ورزشکاران دعوت کردند تا در جنبه شرکت کنند. از جمله نارنگان تربیت بدنی و سرپرستان تیمها، مدیران ورزشگاههای سنتی کاشان بیاناتی دادند و "آبادی خود را جهت لبیک گفتن به ندای امام امت اعلام داشتند" و "۴۰ نفر از ورزشکاران کاشان" راهی میدانهای نبرد... شدند. "البته" مذبذبات "محارز" رژیم هم در بزرگ جلسهداران اجرام ورزشکاران و کارکنان و کارمندان تربیت بدنی به جنبه ها از هیچ گزافه دروغی چشمپوشی نکردند به هر حال رژیم توانستند ای از جوانان را با ارباب وزر، فریب و سوءاستفاد از احساسات مذهبی راهی جنبه های بی بازرگت کنند. پیشا - پیش سرنوشت این عده جدید که به جهیبرفتاند ر و تن است مرگ، نقص عضو، بیماری روانی، اما واقعت تلخی در مقابل چشمان ماست که این پیشینی را تبدیل به یقین می کنند. قبلا هم گروهی از ورزشکاران را به جنبه فرستاده بودند، مدای دیگر باز نکشند و سرنوشت باز گشتگان را با هم بخوانیم "نکته قابل توجه در اینجا آن است که تا کنون و پس از پیروزی شگوهمند انقلاب اسلامی هیچ فدراسیون ورزشی به همراه ورزشکاران نتوانسته بود تا مقام قهرمانی جهان را بنام خود ثبت نماید و تنها این معلولین کشورمان بودند که موفق شدند چند مدال طلا، نقره و برنز در رشته دو میدانی بحلاوه افتخار مقام قهرمانی و اییبال نهمه جهان را در تاریخ ورزش جمهوری اسلامی بکنجاند." (دنیای ورزش ۱۴/۲/۱۴)

زهی پیشرمی. این ننگ است نه افتخار. همه این حیوانان تا چندی پیش ورزشکاران سالمی بودند و حتی بعضی از آنان در سطوح عالی ورزشی قرار داشتند و این جنگ بود که باعث شد تا معلول شوند و اکنون نشسته ورزش کنند و تا آخر عمر نیز زمین گیر و نشسته باشند.

این است "ارمغان" جنگ که رهبران رژیم

سازمان تربیت بدنی هم مانند دیگر سازمانها و ادارات دولتی، از تعرض جنگ در امان نمانده است. جنگ، قسمت بزرگی از بودجه، و برای ادامه حیات خود، کارکنان و ورزشکاران این سازمان را می بلعد.

بعد از فرمان خمینی مبنی بر اینکه هر کس توانایی جنگیدن دارد باید به جنبه برود، روشنی سازمان تربیت بدنی برای امتثال فرمان ولی فقیه، به تدارک وسیعی پرداخت. درگاهسی معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان تربیت بدنی، نقش این سازمان و اصولا ورزش را اینطوری توضیح داد "مسلما تربیت بدنی و ورزش در متن جنگ حضور داشته و از این به بعد باید با انگیزه و امکانات بیشتری در خدمت جنگ باشد."

(کیهان ورزشی، ۱۳۰۱/۱۶)

او یا را از این هم فراتر نهاد و در سازمان تربیت بدنی "ستاد جنگ" بر پا کرد. (درگاهی) از دست اندر کاران ورزش خواست به توسعه فرهنگ جنبه ها در محیط های ورزشی و تربیتی بپردازند و اگر در زمینه ستاد جنگ سازمان (تربیت بدنی) نظرات و پیشنهادات و طرحهایی دارند با این ستاد همکاری و مساعدت نمایند تا انشا... گامهای موفری در خدمت به جنبه و جنگ برداشته باشیم. (همانجا) مطبوعات ورزشی هم با بر جای پای مسئولان گذاشتند و نوشتند "امروز که فرمان دفاع از اسلام و مسلمین در قلابی جدید و گسترده ای فراتر از پیش صادر گشته است، زمینه بروز قابلیت های ورزشکاران و پهلوانان (فراهم گشته) خوب است. دستگاه متبلی ورزش نیز ستاد اجرام ورزشکاران و پهلوانان را تشکیل دهد تا در این جنگ دفاعی که تضمین کننده صلح آینده در منطقه است... در میدان قتال حضور به هم رسانند."

(کیهان ورزشی، ۱۳۰۱/۱۶)

حماکاروان راهیان کرپلا "از ۳۰ فروردین ۱۳۰۶ اردیبهشت ۶۵ به جنبه فرستاده شد. فدراسیون کاراته طی اطلاعیه ای از نیروهای داوطلب برای

آب و هوای ملل

..... چرا که شما و سایر ورزشکاران به عنوان ورزشکاران کشور اسلامی به سایر ملل سفر می کنید، بنا براین باید از اینک صفای درونی برخوردار باشید * (حجت الاسلام زیندی امام جمعه باختران) ادامه سخنان: وقتی که به سایر ملل سفر می کنید بهتر است از وضعیت آب و هوایی ملل، همچنین موقعیت جغرافیایی ملل آگاه باشید؛ اگر مثلاً باران در ملتی زیاد می بارد، تمرینات خود را در مناطق بارانی انجام دهید تا به این نوع آب و هوا عادت کنید. و اگر در ملتی هوا خشک است و یا باد زیاد می وزد خود را به همین ترتیب سازگار کنید!

جمهوری اسلامی در زورقهای رنگین می پیچند و تقدیم ورزشکاران و جوانان میهنمان می کنند. ورزشکاران و جوانان انقلابی از رفتن به جبهه سرماز می زنند و سیاست ادامه حنگه خانمان برانداز رژیم جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر افشای می کنند.

هشدار به "امام"

"امروز جام جهانی از انسان آزاد، برده های چشم و گوش بسته ساخته، مناسبات انسانی را به آسیاب سرمایه داری افکنده، در عوض رابض استعماری جایگزین ساخته. امروز قرار است فرمان حضرت امام مد ظله العالی تحت الشعاع جام جهانی قرار گیرد" (سردبیر کیهان یژی ۳ خرداد ماه ۱۳۶۵)

"شرکت مردم در فرهنگ"

بقیه از صفحه ۸

کشور ما، درمان کند بلکه بحران آن را حادتر خواهد کرد. بدین ترتیب بخشی از امکانات آموزشی کشور بخیرمعلمان ما، در اختیار سرمایه داران قرار خواهد گرفت. با توجه به آمار رسمی که ۵۰ درصد کودکانی که به سنین تحصیل می رسند نمی توانند به مدارس راه بیفتند، این اقدام به بالا رفتن این درصد و رسیدن سرمایه آوری بی سوادی دامن می زند. حاکمانند فرهنگ و تمدن آموزش را از یک طرف آموزش شبانته را تثبیت می کنند و از طرف دیگر با گدایی دانش آموزان به جبهه های بی بازگشت جنگ، پرداختن به دارو استیجاری به "مالکان" آنها، منحل کردن مدارس دولتی و اخذ شهریه در مدارس دولتی شرایط بسیار دشواری را بسوی اکثریت قریبشان خانواده های محروم کشور بوجود می آورند. این سیاست که تنها و تنها در خدمت سرمایه داران و عده کمی از خانواده های مرفه است، ضربه مهلکی به نظام بیمار آموزش کشوری است.

ضرورت تغییر بنیادی نظام آموزشی و رایگان کردن تمام مراحل آن از جمله خراستهای نخستین مردم انقلابی ما بوده است.

بیایند و دولت نظارت و کنترل کند
بهتر از این سران حکومت نمی توانستند امیانند مردمی خود را مشخص کنند و برده ترس را کنار بزنند. کاشانی در ادامه سخنرانیهای افزود: "۵۰۰ قانون اساسی می گوید تحصیل در سطح دبیرستانها بصورت رایگان باید باشد ولی در فقه اسلام است که اگر در کشور اسلامی مردم دیدند بچه ها مانده اند و دولت نمی تواند امکانات آموزش را فراهم کند واجب کفائی است بیایند و این بار را بردارند .."

(۱۷ اردیبهشت ۳۱ خرداد ۶۵) باید از این آقایان سؤال شود چرا دولت نمی تواند امکانات آموزشی را فراهم کند؟ بنظر ما دولت هیچ نمی تواند بخاطر اینکه مدت ها است کمر به خدمت بخش خصوصی، سرمایه داران و عده ای که پول دارند بسته و نه تنها نمی تواند بلکه باید لغت نمی میابد دست به اقدامات اساسی و بنیادین برای متحول کردن آموزش بزند. وجود مدارس خصوصی نسبه تنها نمی تواند دردی از وضعیت اسفبار آموزش

بر دانشجویان ایرانی در اطریش چه می گذرد؟

دانشجویان ایرانی در اتریش از مشکلات زیرین رنج می برند :

مشکل مالی - از میان تمام این چند هزار نفر ایرانی که در اتریش به تحصیل مشغولند ، فقط در حدود ۳۰۰ نفر ارزش تحصیلی دریافت می کنند و بقیه دچار مشکل مالی می باشند که بدترین درد است و تمام فکر ، روح و جسم آدمی را می ساید و تحلیل می برد . در اتریش کار بندرت پیدا می شود تعداد بیکاران در میان جوانان اتریشی بیشتر از ۲۰۰ هزار نفر است ، چه رسد به خارجیان ، اثر ناری پیدا شود ، و یا عدد در درجه اول به خرید اتریشی ها داده می شود .

از مشکلات دیگر دانشجویان ایرانی ، غربت و دوری از خانواده و تماهز جدی فرهنگی و پذیرفته نشدن آنان در جامعه اتریش است .

مشکل بعدی مشکل تحصیلی و مسلط نبودن به زبان سخت آلمانی است . بخصوص اینکه در سال گذشته قوانین دست و پاگیر جدیدی از طرف دانشگاه برای دانشجویان خارجی وضع شد است بقیه در صفحه ۳۹

بیراز جریان به اصطلاح "انقلاب فرهنگی" در ایران بسته شدن در دانشاهها بر روی خیمیل عظیم جوانانی که خوابان تحصیل بودند ، عده زیادی از این جوانان برای تحصیل راهی خارچ شدند و از جمله به اتریش آمدند که البته در سالهای پس از آن هم بر اثر حاکم بودن چسو ترور و تعقیب و خفقان در ایران و امتناع از رفتن به جیبهای بی برگشت جنگ تجاویز عده زیاد دیگری از جوانان و نوجوانان میانمان به اتریش آمدند .

در دانشاههای اتریش طبق آمار رسمی وزارت علوم و تحقیق کشور در زمستر زمستانی ۱۹۸۱/۸۰ تعداد ۱۲۹۳ دانشجوی ایرانی ثبت نام کردند که از این عده ۹/۷ درصد از کل دانشجویان خارجی در اتریش می باشد . و از نظر تعداد دانشجویان آلمانی و ایتالیایی در رده سوم قرار دارند . (رجوع شود به جدول) . در سال تحصیلی جاری تعداد دیگری نیز بر این عده اضافه شده است .

دانشجویان خارجی دکتری که از لحاظ تعداد در رده اول هستند بر اساس تعداد و جنسیت آنها در دانشاههای اتریش ، زمستر زمستانی ۸۱/۸۰

جنسیت	مرد	زن	جمع	تعداد بر حسب درصد از کل
آلمان عدراال	۱۱۹۱	۱۱۰۲	۲۲۹۳	۱۶/۱
ایتالیا	۱۰۰۲	۱۱۶۶	۲۱۶۸	۱۶/۰
ایران	۱۰۲۹	۲۱۱	۱۲۴۰	۹/۷
ترکیه	۱۲۹	۱۹۰	۳۱۹	۲/۴
بیجان	۱۹۲	۲۰۷	۳۹۹	۳/۰
لوزامبرگ	۲۴۰	۱۰۸	۳۴۸	۲/۶
ایالات متحده آمریکا	۱۸۰	۱۴۱	۳۲۱	۲/۴
یوکسلاوی	۱۲۹	۲۱۱	۳۴۰	۲/۶
لهستان	۱۲۱	۱۰۰	۲۲۱	۱/۷
سویس	۱۱۰	۲۰	۱۳۰	۱/۸
جمع	۶۷۶۱	۳۱۲۹	۹۸۹۰	۷۷/۷

به نقل از نتایج آمار وزارت علوم و تحقیقات کشور اتریش چاپ سال ۱۹۸۰

دارالفنون

(۱)

دسته از مأمورین دولتی را که رشته کارهای آئیند

ایران را به دست گرفتند تربیت کرد^۱

صرح تاسیس دارالفنون را ابتدا عباس میرزا در سر داشت اما نتوانست آن را عملی کند و اینک رسالت به عهده امیر کبیر گذاشته شد.

آئینده امیر در بنای دارالفنون از یک سیر چشمه الهام نگرته بود، بلکه حاصل مجموع آموخته های او بود، چرا که او آثار ممسی و مدرسه های مختلف روسیه را دیده بود. در کتاب جهان نمای جدید که به ابتکار وزیر نظر خود شرح و تدوین شد شرح دارالعلمهای عمده کشورهای غربی را در رشته های گوناگون علم و هنر با آمار شاگردان آنها خواننده بود و از بنیاد های فرهنگی دنیای جدید خبر داشت. در ضمن از مدرسه طیبه و عسکریه عثمانی که لای تقنییات ساخته بودند نیز آگاه بود.^۲

عنوان دارالفنون که آن را "مدرسه" مدرسه جدید، "مدرسه نظامیه"، "مکتب خانانه" پان شاهی، "تعلیم خانه" یا "معلم خانه" نیز می گفتند برای اولین بار در نامه ای که میرزا محمد علی خان، وزیر امور خارجه به کلا نتر تبران نوشته آمده است و در روزنامه وقایع اتفاقیه نیز پیدا همین عنوان را اولین بار در شماره سوم خود بخار برده است.

نخستین سنگ بنای دارالفنون بعنوان اولین آموزشگاه عالی به سبک اروپا از قبیل لی تکنیت در اوایل سال ۱۲۶۶ هـ ق و در سال سوم سلطنت ناصرالدینشاه در شمال شرقی ارک سلطنتی که سابقه سراسر خانه بود نهاده شد. شرح آن را، میرزا رضا مهدس یاشی ریخت و محمد تقی خان معمار یاشی دولت آن را ساخت ابتدا ساختمان قسمت شرقی آن میرد استفاده قرار گرفت اما بقیه ساختمان در اوایل سال ۱۲۶۹ پایان یافت.

دارالفنون آزمایشگاه فیزیک، شیمی و دوا سازی، کتابخانه و مجلیخانه مخصوص داشت و در گوشه شمال شرقی آن تالار تاتری احداث شده بود که به لحاظ مخالفت روحانیون متروک

در پدیدایشانده های آزادی خواهانه و پیداری افکار ایرانیان که جامعه خواب آلود را از تاریکی و منقذات انقلاب مشروطیت ایران را فراغ نمود، حوادث و عوامل مختلفی نقش داشته اند که بیان آنها با عمه ضروری که برای آشنایی نسل جوان ایران دارد با توجه به مجیدیت صفحات "آرمان" در این مختصر نمی گنجد. اما آنچه که بعد از اقدامهای اولیه عباس میرزا نایب السلطنه و وزیر یا تدبیر و ساز فرهنگ او میرزا ابوالقاسم قائم مقام (کوچک) در این راه دراز رنج بار، بر تانی و خون آلود بعنوان نخستین تدوینک شاخص است اصلاحات اقدامات و نوآوریهای میرزا تقی خان فراهانی طبق به "امیر کبیر" و "اطبک اعظم" و از بین آنها تاسیس دارالفنون است. اگر چه مؤسس و مبنکر روشن بین آن بعلمت تحریکات دامنه دار و خشم و تاریک اندیشی ارتجاع مذمبی، در موقع افتتاح آن حضورنداشت و دو هفته پراز کشایش آن در باغ شاهی حسین کاشانی کشته شد. و نتایج اقدامهای خود را ندید، اما

پیدایی این مؤسسه پیش از آنچه انتظاریه رفت در پرفت کار تعلیم و تربیت و اخذ علوم و فنون جدید اروپایی در ایران مؤثر افتاد. توده وسیع مردم را با طرز زندگی اروپایی که تا آن زمان ایرانیان بوی از آن نبرده بودند آشنا ساخت و به گروه انبوه جوانان فرصت داد که در راه اصلاحات قدم بردارند و طوطی نکشید که یک قشر روشنگر از اغباء و علمای ریاضی و طبیعی در تهران پیدا کنند و با ترجمه و تالیف کتب بر طبق روش علمی بدید و به بار آوردن شاگردان زیاد به آغاز شدن نهجی در فرهنگ ایران کمک کردند. بطوری که می توان گفت تجده خواهی و مبارزه با خرافات و موهومات و نشر افکار آرای خواهانه در عصر ناصری تا حدی از برکت تربیت و تعلیم همین طبقه از تحصیلکردگان دارالفنون بود. و هم این مؤسسه بود مند بود که انقلاب مشروطیت و آن

شاس برای مقدمات فارسی و عربی دایر کرد است
و رفته رفته رشته ادبیات نیز پدید آمد .

آمار و نتایج تاسیس دارالفنون : همانطوری که ذکر
شد دارالفنون در سه جهت جامعه ایرانی را
تحت تاثیر قرار داد .

اول ، در گزینی کیفی آموزش ، بدین معنی که با
تشریح اصول علمی جدید ، نقص تعالیم پیشینیان
با اندازه ای آشکار گردید و دانسته شد که قسمت
زیادی از آنچه به نام علم در ایران بر آب است
و قسمت دیگر آن ناقص و نارسا .

دوم ، با پدید آمدن دارالفنون ، ترجمه و تالیف
کتابهای درسی در ایران آغاز شد و دانش نسو
در میان اقشار وسیع تری از مردم راه باز کرد .

این کتابها را محلمان اروپائی در رشته های
مستطوف تالیف کردند و مترجمان و شاگردان ایرانی
آنها را بجزه از فرانسه به فارسی بر می گرداندند .

تاسیس دارالفنون ، ترجمه و تالیف کتابهای

سوف ترجمه و تالیف کتابهای دیگری در جامعه
ایران گردید که تا آن تاریخ در ایران سابقه
نداشت . مؤلفان و مترجمان این کتابها یا آنکه
بسیار باطنه مستقیمی با دستگاه آموزش آن روز

تلاش داشتند با درک نیاز جامعه و احتیاق عظیمی که
به نشر فرهنگ و تحلیف دانش پیدا شده بود آثار
مستطوفی را به جامعه شناسان ایران عرضه داشتند .
ابتدا کتابهای تاریخی و پس از آن رمانهای ادبی
و حتی رمانهای علمی ژول ورن ترجمه و انتشار
یافتند که از آن جمله می توان به کتابهای زیر اشاره
داشت :

تالیفات تاریخی و لزما مانند تاریخ پتر کبیر ، شارل
دوازدهم و استند رمق و بی

تاریخ ایران تالیف سرچان ملک
داستانهای سه تنگدار ، کنت دو مونت کریستو ،
شاه مارگر ، لویی چهاردهم و پانزدهم و آثار
الساندر دوما پدر طعناک اثر دوو ، ژیلبلان اشر
لساز ، کلبه غیری اثر برناردن دو سن پیسر ،
ماتی مسکواثر پروو ، مسارت کولیر اثر سوفست
سرگذشت حاجی بابا اصفهانی تالیف جیمز موریه
و غیره

در کنار آثار نامبرده و ترجمه نمایشنامه های

بقیه در صفحه ۳۲

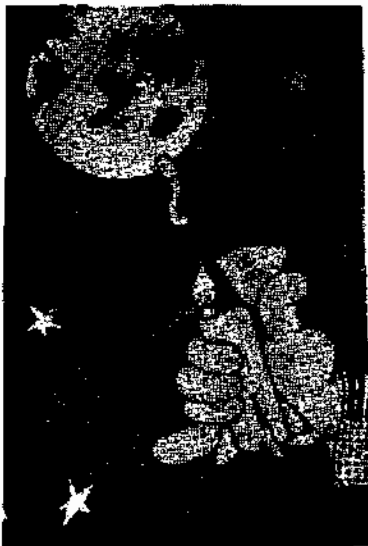
انتاد فقط گاه نمایشهای خصوصی برای شفاء و
ریبال دولت بوسیله لیسر فرانسی معلم میزیک و
مزمین الدوله می دادند ، به جای آن نماز خانهای
برپا شد که نماز ظهر را شاگردان در آن جسا
می خواندند .

معلمین دارالفنون را ، امیر با کمک چسان
داد آرمنی یکی از مترجمان مورد اطمینان خود ،
از دیپلماتسا ویرسا (اتریش و وروس) استخدام کرد .
زیرا آگاهانه تصمیم بر آن بود که این معلمان به
"ممالکی که در ایران مناقب سیاسی دارند منتصب
نمایند" . جان داود همراه با ۷ نفر از محلمان
اروپائی در روز بعد از عزل امیر کبیر وارد ایران
شد و پس از تنظیم و تصییب برنامه آن توسط
نامرالدین شاه ، رئیس (ظلیقی میرزا اعتضاد
السلطنه) و ناظم (رنا قلی خان هدایت) آن نیز
تعیین گردید . سرانجام در روز یکشنبه پنجم
ربیع الاول سال ۱۲۶۸ هـ . ق علیفرم مخالفت
لش چستین شیل وزیر مختار انگلیس و میخترزا
آقا خان توری جس افتتاح آن برپا گشت .
بدرسه ۷ شعبه داشت و مواد تعلیماتی آن عبارت
بشدند از :

"بیاده نظام و فرماندهی ، توپخانه ، سواره
نظام ، مهندسی ریاضیات ، نقشه کشی ، معدن
شناسی ، فیزیک و فرائی و داروسازی
طب و تشریح و جراحی ، تاریخ و جغرافیسا و
زبانهای خارجی" .

"شاگردان هر یک از شعبه ها لباس مخصوص
داشتند ، سالی دو دست لباس تطهستانی و
زمستانی به رایگان داده می شد . نهار را به خرج
بدرسه می خوردند ، مقرری هم داشتند (از ۱۷۶۱
مقرری شاگردان بریده شد) . امتحان بدرسه
سالی سه بار بود و به شاگردان جایزه هم
می دادند . دوره تحصیل ۷-۶ سال بود . و
در اولین سال تعداد شاگردان ۱۰۵ نفر
بشدند . علاوه بر مظان اروپائی ، هدهه ای از
ارامنه ، جلقای اصفهان و آذربایجان نیز که به
زبانهای خارجی و پاره ای از علوم جدید آشنا
بودند مانند ملک خان که بعدا به ناظم الدوله
معروف شد ، نظر آقا و ماروس خل و نیکلا مترجم
ریاضیات خیام نیز بکار گرفته شدند . بعدا نیز

استفاده مسالمت آمیز از فضای کیهانی دست امپریالیسم امریکا را باید کوتاه کرد!



از روزی که نخستین ماه مصنوعی زمین پویا شد اتحاد شوروی در سال ۱۹۵۷ به فضا فرستاد شد و در پی آن ، در ۱۹۶۱ ، سفینه فضایی "وستوک" به سر نشینی پیری ۴۴ روزه ، نخستین فضا نورد سیاره ما ، در مدار زمین قرار گرفت ، دیری نمی گذرد ، با این همه ، در این مسافت کوتاه که در مقیاس تاریخ لحظه ای بیش نیست ، در امر بهره برداری مسالمت آمیز از فضای کیهانی جهش بزرگ به پیش ، روی داده است . در حقیقت ورود انسان به فضای کیهانی و گذار به بهره برداری عملی از فضای بی پایان یکی از دستاوردهای بزرگ علمی و فنی بشمار می رود .

از آن زمان که انسان کار مسکون کردن فضا را برآمده سیاره خرد را آغاز کرد ، تا کنون عددها نا محاسبه در مدار زمین و در ایستگاههای فضایی قرار گرفته است . در این ایستگاهها گروههای کارشناسان علمی و فنی ، از جمله گروههای کارشناسی بین المللی ، با یکدیگر همکاری می کنند ، ایستگاههای علمی بین سیاره ای ژرفای سیستم خورشیدی را کشف می کنند ، سفینه های فضایی برای بررسی سیستمهای کره های سما ، ونوس و مریخ به گونه ای فزاینده مورد بهره برداری قرار می گیرد و افاق دید فضایی انسان هر روز گشوده تر می شود و بیش از پیش عظمت می یابد .

با این همه ، در همین مدت کوتاه این امکان نیز بوجود آمده است که فضای کیهانی به منبع خطرهای وحشتناک نظامی مبدل گردد . نقشه های اعلام شده و فعالیت هایی در مد نظر است که هدف آن نظامی کردن فضای کیهانی است ، بدینسان که در فضای ماورای جو سلاحهایی به کار آند که برای منهدم کردن آماجگاههای در زمینی مورد بهره برداری قرار گیرد ، و نیز از مسافتها فضایی ، و با استفاده از تجهیزات و وسایلی که در فضا به کار خواهد افتاد ، آماجگاههای در جو ،

در سیارات دیگر ، یا زمین مورد حمله قرار گیرد . تردیدی نیست که تحقق یافتن چنین نقشه هایی یعنی نظامی کردن فضای کیهانی ، خطر هستهای را به مراتب بیشتر از امریز افزایش می دهد و همه امید خلقهای جهان را که آرزوی دیدن روزی هستند که سلاحهای کشتار جمعی نابود شده باشد ، یکسره از میان می برد . اجرای چنین برنامه های به مسابقه شلیحاتی که هم اکنون به مرز انفجار رسیده است ابعاد باز هم وسیع تر می دهد و متوقف کردن این مسابقه را که هم اکنون به حد کانی به امری پیچیده و دشوار مبدل شده است ، تا حدود زیادی دشوارتر و پیچیده تر ، و چه بسا ناممکن ، خواهد کرد . روند فاجعه آمیز نظامی کردن فضای کیهانی ، منابع عظیمی را که می تواند برای رشد مسالمت آمیز بشریت مورد بهره برداری قرار گیرد ،

می‌بلعد و راه حل‌هایی را که خلقهای جهان برای برون‌رفت از ورطهٔ تیره روزی‌ها و ورشکندگی ساختن پدیده‌های در مد نظر دارند یکسره با بین‌بست مواجه خواهد ساخت. نظامی کردن فضای کیهان مانند یک بیماری سخت و درمان‌ناپذیر، مجموعهٔ فعالیت‌های انسانی را در زمین و فضا تحت تاثیر منفی قرار می‌دهد و در راه رشد همگامیهای بین‌المللی مؤثمی جدی بوجود آورد.

سخن کوتاه، بشریت در روند تکامل تمدن خود به نقطه‌ای رسیده است که باید با قاطعیت تصمیم بگیرد و راه خود را برگزیند، یا بایستد دوران استفاده وسیع از فضای کیهانی را بپسندد سود همهٔ انسانها با موفقیت یکسان و به یکنسازد، یا فضای ماورای جو را به شبح خطر عسای مریکام و ناپدید کنندهٔ انسان و تمدن بشری مبدل سازد!

در چنین شرایطی که خلقهای جهان در سر دوراهی سرنوشت‌ساز مرگ و زندگی قرار دارند، اتحاد شوروی، مانند همیشه، پیشنهاد مشخصی را با قاطعیت ارائه می‌کند. اتحاد شوروی در همان سال ۱۹۵۸، یعنی زمانی که با ماه مصنوعی خود فضای کیهانی را گشوده بود و به منزله پیشاهنگ، راه ناشناختهٔ کیهان را با موفقیت می‌پیمود، به سازمان ملل متحد پیشنهاد کرد که استفاده از فضای کیهانی برای منافع نظامی ممنوع گردد.

وزیر امور خارجه اتحاد شوروی، کدو نشست فوق‌العادهٔ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال گذشته یک بار دیگر پیشنهاد دولت خود را مطرح کرد، در توضیح پیشنهاد خود از جمله چنین گفت: غیر نظامی کردن فضا همکاری‌های دولتها را برای فعالیت‌های فضایی ممکن می‌سازد. نظام متقابل را تقویت می‌کند، امکان استفادهٔ معقول از منابع حیاتی و اندیشه‌های انسانی را افزایش می‌دهد و روند رشد و شکوفایی دانش و فن را با جهش‌های عظیم به پیش می‌راند. تحقق چنین امری در نواحی گسترده‌ای در زمین و استفادهٔ هر چه بیشتر از دست‌آورد های علمی و فنی فضایی، پیروزه در حل مسایل میرمی چگون

بر انداختن گرسنگی و بیماری و از میان ببردن عقب‌ماندگی اقتصادی کشورهای رست‌یابنده را، بخصوص در چهارچوب همکاری خود این کشورها شایعاً گشود. بر اثر غیر نظامی کردن فضای کیهانی بشریت در موقعیتی قرار خواهد گرفت که به یک هدف اساسی، بلند مدت و جهانی خود یعنی صنعتی کردن فضای پیرامون زمین و هماهنگ کردن مجتمع‌های فضایی با اقتصاد زمین و فرار دادن مؤسسات تولیدی طراز نین در مدار زمین برای تهیهٔ مواد و کارآهای صنعتی در شرایط خنک و بی‌فونی دست خواهد یافت. در این رهگذر، گنجینه‌های پایان‌ناپذیر فضاپیمایی، بجز منابع ستارگان و انرژی خورشیدی، در خدمت بشر قرار خواهند گرفت.

همکاری بین‌المللی برای استفادهٔ مسالمت‌آمیز از فضای کیهانی، بجز به استفاده از خفیه‌های بین‌سیاره‌ای و تکنیک فضایی، کار پژوهشهای علمی اساسی را به مقیاسی سابقه‌سترس خواهد داد. نتایج پژوهشها و آزمایشهای فضایی در عرصه‌های چون زیست‌شناسی، پزشکی، جوشناسی، محیط‌زیست و اقلیم‌شناسی، بررسی سیستم‌های جهانی ارتباطات بوسیله ماهواره‌ها، کشف منابعی هنوز ناشناختهٔ لرهٔ زمین، و نیز به دست آوردن اطلاعات سودمند در زمینهٔ کشاورزی، زمین‌شناسی، محاسبات، بهره‌برداری از دریاها و اقیانوسها و مسابلی از این دست، زندگی بشر را در جهت بهتر شدن به گونه‌ای بسابقه و با جهش‌های بزرگ در گویان خواهد ساخت.

همهٔ این دست‌آورد ها در صورتی تحقق خواهد یافت که امپریالیسم آمریکا، که در کار مسلح کردن فضای کیهانی اصرار می‌ورزد، مجبور شود که از نقشه‌های شیطانی خود دست بردارد و برهنگم تلاش‌آزمودانهٔ مجتمع‌های صنعتی - نظامی - که رنگان از جمله سختگویان آنهاست - به خواست عمومی خلقهای کرهٔ زمین که همانا حفظ صلح و استفادهٔ مسالمت‌آمیز از فضای ماورای جو است، زدن نهت - فضای کیهانی که ملک مشترک همهست -

آرام بخوابید، این تکرار نخواهد شد!

هستای بود که قدرت آنها از ۵۰۰/۰۰۰ تا ۵۰۰ بیشتر بود. و این قدرت ۵۰ هزار برابر بیش از آن حدی است که برای هزاران نفر یک شهر یک میلیون نفری لازم است. اگر قدرت تخیلی این بمب های انباشته شده را به "تی ان تی" تبدیل کنیم، به جای کار و نان و مسکن و آرامش، به هر یک از ساکنان زمین ۱۲ تا ۱۵ تن "تی ان تی" می رسد!

و انشوی، در یک جنگ اتمی احتمالی، بمباران به یکی دو شهر محدود نمی ماند؛ انقلاب علمی و فنی امکان انفجار همزمان انواع بمب های اتمی و هیدروژنی و توتروزی و شیمیایی و باکتریایی و... را در بسیاری از شهرها به وجود آورده است. تنامل حیرت انگیز وسایل حمل سلاحهای کشتار جمعی به گونهای است که در ظرف چند دقیقه می توانند خود را به هر نقطه ای از کره زمین برسانند!

در چنین شرایطی خصلت جنگ نیز دگرگون می شود. مقاومت میان جبهه و پشت جبهه، بسی طرف و غیر بسی طرف، فاتح و مغلوب یکسره از میان می رود. پدیده های جوی پیش بینی نشده های روی می کنند که شرایط زیست را از میان می برد، کافی است به از میان رفتن لایه "اوزن" در جو زمین اشاره کنیم که وجود آن سطح کره خاک، گیاهان و همه موجودات زنده آن را در برابر اشعه ماورای بنفش حفظ می کند.

در ۱۹۵۵، "مجمع جهانی صلح" کسسه در هلستینکی گرد آمده بود، پیشنهاد کرد که روز ۶ اوت، تاریخ بمباران هیروشیما، روز مبارزه برای منسوخ سلاح نامید شود. در این روز، همه تنه ها در این روز، میله بارها انسان شریف سیاره، مساحتانی را که بر ستون سنگی یاد بود در پارک صلح هیروشیما نقش بست است بر زبان می آورند: "آرام بخوابید، این تکرار نخواهد شد!" و نباید

تکرار شود!

در سالهای جنگ دوم جهانی، که سابقه برای دستیابی به سلاح "برنده" جنگ به اوج خود رسیده بود، ایالات متحد آمریکا به بمب اتمی دست یافت. نیروی منهدم کننده ۱۰۰۰ بمبادهای ثانویه تشعشعات اتمی این بمب در بمباران هیروشیما و ناگازاکی - در ژاپن - نشان داده شد.

روزهای ۹ و ۱۰ اوت ۱۹۴۵، سه ماه پس از تسلیم بدون شرط آلمان نازی و در حالی که میلاد ریسمان نیز آخرین رمق خود را در جنگ از دست می داد، آمریکا شهرهای هیروشیما و ناگازاکی را با بمب های اتمی خود بمباران کرد. بر اثر این عمل غیر انسانی و جنایتکارانه ۲۷۳/۰۰۰ تن از مردم بی دفاع یک جا کشته و ۱۹۵/۰۰۰ نفر زجر کش شدند! آمریکا این بمباران را برای قدرت نمایی در برابر اتحاد شوروی و نیز سد آنگ یک جنگ جهانی دیگر، که از همان زمان مقدمات آن آغاز شده بود، لازم می دانست!

در سال ۱۹۶۶، بیست و یکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل یک گروه کارشناسی را مامور کرد تا درباره پیامدهای به کار بردن احتمالی سلاحهای اتمی گزارشی ارائه کنند. طبق برآورد این دانشمندان، یک بمب اتمی با قدرت یک مگاتن شهری را با مساحت ۲۵۰ کیلومتر مربع، با جمعیتی معادل یک میلیون نفر، به گورستان تبدیل می کند. برد یک بمب با قدرت ۱۰ مگاتن شهری را به وسعت ۴۰۰ تا ۵۰۰ کیلومتر مربع ویران می سازد. علاوه بر جمعیت شهر نیوی از مردمی را که در شعاع ۵۰ کیلومتری به سر می برند می کشد. شعاع مرگ بمب های ۲۰ مگاتنی یک ۶۰ کیلومتر می رسد. و اینکه، بر اثر بمباران اتمی تعادل اکولوژیکی محیط صیقل دگرگون می شود و بازماندگان احتمالی این بمباران برای ادامه زندگی فلاکت بار خود راه به جایی نمی برند؛ به کجا پناه برند، چگونه ارتزاق کنند، زخمی ها را چه کنند، از خطرات آید می های چگونه بپزند و...

تازه، همه این گرفتاریها را انفجار فقط یک بمب اتمی به بار می آورد. حتی در آغاز سال ۱۹۸۰ کره زمین انباشته از انواع سلاحهای



لنین و جوانان (۳)

اندروز یک ناظر



"اندروز یک ناظر" عنوان یک مقاله لنین است که او از پنهانگاه خود، در شهرهای واقع در کرانه دریایچه "رازلیف" برای کنفره ششم حزب بلشویک روسیه نوشت و در آن نقشه قیام اکتبر ۱۹۱۷ را مطرح کرد. در این مقاله نقش جوانان کارگر و دهقان، وزیر سرایان و ملوانان جوان، در تدارک انقلاب و تأمین بیرونی آن با برجستگی مورد توجه قرار دارد.

حزب بلشویک برای جوانان کارگر نقش مهمی در انقلابی که به زودی فرا می رسد، قایل بود. جوانان در تدارک انقلاب و در اجرای آن سهم فعالی بر عهده داشتند.

هنگام نخستین انقلاب روسیه، یک میر با نیمی از ثروتهای رزمی که با خود نامی تزاری می چنیدند، جوانان ۱۶ تا ۲۲ ساله بودند. به ویژه، در دوران استقرار ارتجاع که در نخست انقلاب ۱۹۰۵ بر روسیه چیره شد، جوانان بخش مهمی از اعضای حزب را تشکیل می دادند. در این دوران ۷۸ درصد اعضای حزب بلشویک جوانانی بودند که پیش از رسیدن به ۲۱ سالگی در نبرد انقلابی شرکت کرده بودند.

جوانان همچنین در انقلاب بورژوا - دموکراتیک

(فوریه ۱۹۱۷)، که استبداد تزاریسم را برانداخت، نقش مهمی ایفا کردند، به ویژه از سیاست حزب در مبارزه به خاطر سوسیالیسم حمایت کردند. اتفاقی نیست که کنفره ششم حزب بلشویک (۲۶ ژوئیه تا ۱۳ اوت ۱۹۱۷) ایجاد اتحادیه های سوسیالیستی جوانان را به مایه یی از میرم ترین وظایف روز دانست. به این مناسبت در تاریخ حزب دموکریست اتحاد - سوسیالیستی چنین آمده است:

"در مورد کار در میان جوانان، کنفره پشتیبانی خود را از تأسیس جمعیت های جوانان که از لحاظ سازمانی تابع حزب نباشند، اما رهبری فکری حزب را بپذیرند، اعلام کرد. حزب باید بخوشد،

تا به این جمعیت ها از همان آغاز فعالیت شان سمت سوسیالیستی بدهد. وظیفه این سازمانها این است، که آگاهی طبقاتی کارگران جوان، چه زن و چه مرد، را بالا ببرند و آنان را با پیای جبروان انقلابی بیولتریا به جلو برند. (فصل پنجم،)

(در این کنفره بود که به اقتضای تیراژ تغییر یافته نشر، یعنی استقرار خاصیت بورژوازی، تاکتیک جدید حزب تنظیم شد و خط مشی آن برای قیام مسلحانه به تصویب رسید. لنین نتوانست در این کنفره حضور یابد، اما بر دار آن نظارت داشت و آن را رهبری می کرد. در جریان انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، او در دوران

و تکنیک نوپرداخته شده است. در این سند بیگاری بعنوان یکی از اجزا طبیعی نظام سرمایه داری معرفی شده و نقش شرکت‌های فراملیتی در زمینه تکنولوژی نوفاش شده و نسبت به خطری که در این زمینه استقلال ملی سوئد را تهدید می‌کنند، توضیحاتی داده شده است.

"اتحادیه جوانان کمونیست سوئد" در این سند خواستار ایجاد محله‌های نوین کار و افزایش دستمزد باشد. است. در این سند همچنین به عواملی که محیط زیست را تهدید می‌کنند اشاره شده و مبارزه با این خطرات خواسته شده است. در ادامه این سند می‌خوانیم:

"جامعه ما با جوانان در ستیز است. بسیاری از جوانان در آموزشگاه‌ها رنج می‌برند. نمی‌توانند کارویاسکن پیدا کنند. البته همه جوانان از بقیه در صفحه ۴۲

این شرکت صاحب آن شرکت است که آن نیز بنوعی خود کنترل شرکت دیگری را در دست دارد. در پیرامین طرح‌های پیچیده و در هم از شرکت‌های مختلف مشاهده می‌کنیم که تعداد تصمیم‌گیرندگان کمتر و قدرت آنها بیشتر می‌شود. ۵۰۰ دولت و سرمایه بزرگ اسب سوارند از قدرت دولتی برای کمک به سرمایه داران بزرگ مالی استفاده می‌شود. امروز بزرگترین گروه صاحب قدرت در سوئد کنسرن ولو (که نه تنها اتومبیل می‌سازد بلکه صاحب صنایع خوراکی، صنایع داروسازی و صنایع تفریحی نیز هست) به همراه امپراتوری آلبریک، کنسرن الکترولیکس (یکی از بزرگترین تولیدکنندگان لوازم خانگی در جهان) و بانک خصوصی اسکاندیناویا است. سوئد در سند مسوده کنگره اتحادیه جوانان کمونیست سوئد "سپهر به شرح بحران عمومی سرمایه داری

اندروز یک ناظر

بقیه از صفحه ۱۹

۱- با قیام هر کربازی مخند، اما همین که قیام آغاز یافت با استواری تصمیم بگیرد آن را بپایان رسانید.

۲- به هر قیمت، حداقل برتری نیروها را در نقطه قطعی و در لحظه قطعی تمرکز نید.

۳- همین که قیام در گرفت، باید با حداشسر قاطعیت، با همه وسایل بدون تردید، همه حمله دست زد. حالت دفاعی، هرگز قیام مسلحانه است.

۴- باید بنوشید دشمن را غافلگیر کنید، و لحظه‌ای را دریابید که نیروهای دشمن هشیج بپراکنده اند.

۵- باید هر روز کالیبایی هایی، هر چند کوچک، به دست آورید (۰۰۰)، و به هر قیمت برتری روحی را حفظ کنید.

۰۰۰ مهم ترین عناصر (نیروهای ضربتی "ما"، کارگران حین، و نیز بهترین ملوانان) باید برگزیده شوند و در واحدهای رزمی کوچک تقسیم شوند. برای آن که همه نقاط اصلی را تصرف کنند، و برای آن که در همه جا مشارکت داشته باشند، در همه عملیات مهم.

دفاع از قدرت شوراها، جوانان در صفوف "لاد" غای سرخ"، ده نخستین واحد های رزمی سربازان انقلاب بودند، قهرمانان بیدار می‌ترسند. پیرامین و دختران جوان کمتر از ۲۳ سال، ۵۴ درصد رزمندگان "لاد سرخ" را، ده دلیرانه از پیروزیهای انقلاب اکثراً پاسداری می‌کردند، تشکیل می‌دادند این انقلاب کارگران و دهقانان سربازان بود. اما همچنان می‌توان، به حق، آن را انقلاب کارگران و دهقانان جوان نامید.

* * *

لنین در "اندروز یک ناظر" چنین می‌آمیزد:

۰۰۰ قیام مسلح یک شلال ویژه، مبارزه سیاسی است، تابع قوانین خاص خود است که باید پاسداری مورد بررسی قرار گیرد. این حقیقت است را نازل مارکس زمانی که "شورش مسلحانه، چگون جنگ، بی‌هنگام است" را می‌نوشت، با برجستگی در خود توجه بیان کرده است.

مارکس قواعد اساسی این هنر را چنین بیان می‌کند:

اشعار رسیده

از سرزمین آفتاب

آن درها زمینی است
با مجلس مکر ماتم

که چارده سالگانش

چاهه درانند .

آن درها نسیم باروت می‌وزد

و عصرهای شادی اش

به زهر خند تن فروشان ماند

* * *

آ . . . می شوی مرده

بیهن خون !

چنگ در سینه کن

فرزندت را

زهر در جام کرده اند .

* * *

آن درها زمینی است

که خاکش آفتابگردان خواهد رواند

و برکنگره دیوارهایش

گبوتران چاهی

عشق وزی خواهدد آمیخت .

ف . فرزاد

بیا خسون گل سرخ

آترا که ز دلدادگی و عشق خیر نیست

در کار شبیخون طلب سینه سپر نیست

آنکس که نهبد گام به هنگامه هستی

باکیش ز جان باختن و دادن سر نیست

با خون گل سرخ نوشتند در این دشت

چیز شیوه سر باختگان ، خط دگر نیست

ای شبزدگان ، چشم به خورشید گشائید

چون دشمن انبوهه شب غیر سحر نیست

سخت است اگر راه به سر منزل مقصود

از پا نشینید که این رسم سفر نیست

بازار خرفه گر چه گرفته ست در روزی

در دیده ما جلوه گری همچو گهر نیست

هر چند که تلخ است زمانه چو هلاهل

در صحبت شیرین سخنان غیر شکر نیست

حور

گاهواره نخستین عشق

بر در ترین صخره ها

به هفت رنگ نوشتم :

دوست می دارم

ای سبزه زار ساقه های جوان

تا در ترین سیارات

به هفت زبان گفتم :

دوست می دارم

ای در گوشت

غوغای زمره ها

* * *

حاليا دادن گرسنه

قلب خونچکانت را بر زمین می کشند

در پس کوچه های شهر

در شب هول

* * *

ای شوره زار خاطره !

ای سرزمین کودکان سراسیمه !

بر بلند ترین تله ها

با هفت حنجره چاک چاک می گویم :

دوست می دارم

ای تلخزار شکستهای مکرر

ای گاهواره نخستین عشق

ای ایران

ف . فرزاد

فردا به نام ماست

از نورزاده ایم ، خورشید نام ماست

با رود آمدیم ، دریا کتاف ماست !

با هم چو بگذریم ازین موجهای بیم

فردا به نام ماست ، دنیا به کام ماست !

سینا

برای شهید خلق صالح امیر افشار

آه ، دماوند جوشان

سختی بی کلام
ایستاده در نیلی آسمان
دلست بیقرار

طلبان

نگاهت

برسان

که چه رفته است

با خزرکنچکا و ،

آه ، ای دماوند تا آرام !

افسوس آشت اکنون بر البرزت نیست
تا بگمید

که شقایق دره های وطنم از چه نالانند ،

یاسمن ها در سوگ که گریانند

و این کیست که می نوازد در نی وا شتخوان

و جهان بپر

با کوله بار مرگش بر دوش

از چه شادان است ؟

آه ، دماوند !

آه ، ای راه بین نمگین زمین !

از روشنایی نقره گون ماه جرافی ساز
تا پسره کفتاران جگر خوار را
در خلوت تاریک میدان

ببینی

و دید را فرمان ده

تا بشود رد خون را از خاک

تا مرغان بیش از این نبینند

که از رگهای گشوده

رود باری از ستارگان جاری است

و باز آ به میدان سنگ

که سرود خونین انسان

در شعله های غروب تابستان

با مژده ای هر چند کبود ،

اما بر آشوب

بسی فردای بر نهد تازان است !

آه ، دماوند جوشان !

در شعاع نقره ماه

آهوان ابرت را بگویی

تا بر قامتی بلند

که در محراج عشق

بر نبض جیس خاک بوسه می زند

سر بسایند .

کسرا

بلاگویف "پدر" کمونیستهای

بقیه از صفحه ۳۰

در سال ۱۹۱۹ نام خود را تغییر داد و بوسه
حزب کمونیست بلغارستان معروف شد . بلاگویف
در پاسخ به روزنامه های بورژوازی که تأیید
می کردند - سوسیالیسم در بلغارستان زمینهای
برای رشد ندارد جزوهای بنام "سوسیالیسم"
چیست و آیا می تواند در بلغارستان تامل یابد .
را انتشار داد . بلاگویف نوشت : "بلغارستان
نام در راه تامل سرمایه داری نهاده است و خیاره
نا خواه یا به مرحله سوسیالیسم خواهد نهاد .
بلاگویف و همزمان او برای اتحاد طبقه کارگر
بلغارستان ، برای آشنا کردن او با مبارزات
نیقاتی ، با دانش مارکسیسم - لنینیسم تلاش
وسیع و همه جانبه ای انجام دادند . بلاگویف بر

پاکیزگی مارکسیسم - لنینیسم ، برای آزاد کردن
حزب از قید و بند های بی شمار ریزینویسم چپ
و راست بی توقف ، با جسارت و غمی راسخ مبارزه
کرد . او حزب کمونیست را به پیشاننگ انقلابی -
ترین افراد جامعه تبدیل کرد .
مرگ زود رس او در سال ۱۹۲۴ جامعه
مترقی بلغارستان و جنبش جهانی کمونیستی و
نارثری را عمیقاً متاثر کرد . بلاگویف پیروزی
سوسیالیسم را در کشور خود ندید - ولی
استقرار بی تردید آن را در این کشور پیش بینی
کرد . او امروز نیست تا آنچه را که آرزوی می کرد
ببیند سوسیالیسم نه فقط در بلغارستان پیروز
شده است ، بلکه اینک در یکی از عالی ترین
مراحل تکاملی خود قرار دارد .

نواستعمار در عرصه ایدئولوژی

دفاع آشکار و نهان از منافع استراتژیک نواستعمار است.

برخی نظریه پردازان نواستعمار ادعا می کنند که نه نظام سرمایه داری و نه نظام سوسیالیستی، هیچیک برای پیشرفت اجتماعی کشورهای رشد یافته مناسب نیستند. آنان ادعا می کنند، که کشورهای رشد یافته می بایست، مستقل از د و نظام جهانی سوسیالیستی و سرمایه داری، در اندیشه تأمین منافع ملی خود باشند و بر اساس "اقتصاد مختلط" به شکوفایی اقتصاد ملی دست یابند. اما "شرح رشد"ی که این نظریه پردازان برای کشورهای های رشد یافته ارائه می دهند تنها حساسی اصلاحاتی در چهارچوب حفظ نظام سرمایه داری و روابط وابستگی آفرین با کشورهای امپریالیستی است و همین امر نقش واقعی آنان را به مثابه ستار بیشکزان سرمایه داری و مدافعان نواستعمار روشن می کند. در واقع خصلت عمده این گونه نظریات مخالفت و ضدیت با سنگبری سوسیالیستی کشورهای رشد یافته است.

نظریه پردازان نواستعمار موعظه گر تائید پیشرفت اجتماعی از راه ایجاد "آنتی طبقاتی" هستند. بنظر برخی از آنان لازمه این امر ایجاد یک "طبقه متوسط نوین" به مثابه پایه اجتماعی سرمایه داری و نشر ایدئولوژی رفرمیستی در میان اعضای این طبقه است. لیبرال- رفرمیست ها و رفرمیست ها اندیشه هایی چون "جامعه رفاه جهانی" و "تعالی اخلاقی جامعه" را نیز بر این مجموعه می افزایند. تشدید تضاد عای طبقاتی در نتیجه رشد سرمایه داری در کشورهای رشد یافته و گرایش روز افزون به تائید پیشرفت اجتماعی از راه انقلاب رهایی بخش ملی و انقلاب اجتماعی در ایس کشورهای بیانگر ناسازگاری این نظریات با واقعیت اجتماعی کشورهای رشد یافته است.

نظریه های نواستعماری بتدریج از مخالفت

در دوران نواستعمار تهاجم ایدئولوژیک امپریالیسم به کشورهای نوریسته اهمیت فزاینده ای کسب کرده است. زرادخانه های ایدئولوژیک قدرت های امپریالیستی انبوهی از نظریه های رنگارنگ نواستعماری را از راه های گوناگون در کشورهای رشد یافته، ترویج می کنند. آنان با تسلط بر رسانه های گروهی و با استفاده از باصطلاح "امپریالیسم خبری" خلق های کشورهای رشد یافته را زیر باران جنجال های تبلیغاتی می گیرند و آماج جنگ های روانی قرار می دهند، تا از ایزراه رشد خود آگاهی ملی و طبقاتی آنان را کند و مسخ کنند، و پایه های فرهنگی و ایدئولوژیک آن را زیر پای تحکیم سلطه نواستعمار فراهم آورند.

نظریه های نواستعماری نظریه هایی پوزولوژی و رفرمیستی هستند، که نیاز امپریالیسم به حفظ و تحکیم زنجیرهای سلطه نواستعماری را بر خلق های کشورهای رشد یافته عقلایی جلوه می دهند. این نظریه ها زیر لوای شعار "مدرنیزاسیون" و "صنعتی کردن" سرمایه داری وابسته به مثابه الگوی برای تکامل اجتماعی کشورهای در حال رشد تجویز شد. این نظریه ها در مقابله با تکاپوی نیروهای ملی و دموکراتیک کشورهای نوریسته برای تأمین استقلال راستین و سنگبری سوسیالیستی، بسود شکل گیری پایه نهی اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک برای رشد سرمایه داری مستعمراتی تبلیغ می کنند. ستایش از "استعمار زدایی" امپریالیستی و سیاست های جاری امپریالیسم در قبال کشورهای رشد یافته از مضامین اصلی این نظریه ها است. مفاهیمی چون "هما هنگی منافع طبقات متخاصم"، "وابستگی متقابل امپریالیسم به کشورهای رشد یافته" و "مشارکت آنها با یکدیگر از اجزای کسب نامدیر این نظریه ها هستند. چنانکه آشکاراست هدف این نظریه ها، که هر از جندی نسخه تازه ای از آن ها به کشورهای رشد یافته صادر می شود،

ستدیده القا کنند که از آنجا که سوسیالیسم دارای روح انترناسیونالیستی است، دست کم همچون امپریالیسم سلطه طلب و با منافع ملی آنان ناسازگار است.

امپریالیست‌ها با ترویج کمونیسم ستیزی، نه تنها کمونیست‌ها، بلکه مجموعه نیروهای ملی و دمکراتیک کشورهای رشد یافته را زیر ضرب می‌گیرند. آنان از راه تحریف دستاورد های سوسیالیسم واقعا موجود و فداکاری قهرمانانه کمونیست‌ها در راه تأمین استقلال آزادی و عدالت اجتماعی، تلاش می‌کنند تا همه نیروهای ملی و دمکراتیک را که بنا به خصلت ترقی خواهانه خویش با کمونیست‌ها در عده ترین آماج‌های انقلاب‌های رهایی بخش ملی منافع مشترک دارند و خواهان همکاری و همسویی سیاسی با کمونیست‌ها هستند، تخطئه و مرعوب کنند، آنان را از همکاری و همراهی با کمونیست‌ها باز دارند، و از یک سو در جنبه ملی و مردمی که ضامن اصلی پیروزی جنبش‌های رهایی بخش است و از سوی دیگر میان جنبش‌های رهایی بخش وارد و گاه سوسیالیسم که متحد اصلی و دست واقعی خلق‌های کشورهای ستدیده است شکاف بیندازد و مردم کشورهای استعمارزده را با مصالح متقاعد کنند که کجا دشمن اصلی آنها نامیرا-لیسم بلکه کمونیسم است و امپریالیسم از آنان در برابر "خطر کمونیسم" حمایت می‌کند.

اما خلق‌های جهان غیرم تلاش‌های ترویجگران نو استعمار، در جریان مبارزه بیش از پیش می‌آمیزند که کمونیست‌های انترناسیونالیست، بگیرترین قهرمانان نبرد در راه منافع ملی هستند. خلق‌هایی که در راه رهایی ملی مبارزه می‌کنند، تاز و واقعی میان اردوگاه سوسیالیسم که متحدان طبیعی آنها در پیکار برای استقلال آزادی و بهروزی اجتماعی هستند و امپریالیسم جهانی را به تجربه غنی و روزمره درک می‌کنند. تلاش‌های نو استعمار برای خلع سلاح ایدئولوژیک خلق‌های از بند رستگار جمله به این دلیل محکم به شکست است.

صریح با توسعه صنعتی مستعمرات پیشین، به شناسایی نسبی لزوم صنعتی کردن این کشورها عقب‌نشسته اند. اما آنان تنها مدافع آنگونه پیشرفت صنعتی کشورهای رشد یافته هستند که در کنترل نو استعمارگران باقی بماند. آنان در واقع خواستار انتقال شاخه های معینی از صنایع کشورهای پیشرفته سرمایه داری - صنایع نیازمند نیروی کار بیشتر، دارای پارآوری ضعیف‌کننده، نیازمند سوخت فراوان و آلوده کننده محیط زیست - به کشورهای رشد یافته اند. این امر بی‌انگیزه منافع نو استعمارگرانی است که خواهان استفاده از نیروی کار و مواد خام و سوخت ارزان در کشورهای رشد یافته و بعین تحکیم نفوذ خویش در این کشورها و بازسازی وابستگی آنها به بازار جهانی سرمایه داری امپریالیستی هستند.

تبلیغات امپریالیستی چه در استعمار و نو استعمار را بزرگ می‌کند، تا ریشه نخبش غارت و جنایت استعمار را انسانی جلوه می‌دهد و از رسالت امپریالیسم مینس بر متن کردن خلق‌های مستعمرات پیشین و اشتراک منافع آنها با امپریالیسم سخن می‌گوید. نو استعمارگران سخن و ارزش‌های باند ملی و دمکراتیک و افتخارات فرهنگی خلق‌های ستدیده را در عرصه های گوناگون آگاهی اجتماعی تخطئه و تحریف و نفی می‌کنند و بنا به مصلحت از اشکال گنجه و منسوخ ایدئولوژی، خرافه‌گرایی و علم ستیزی آشکارا پشتیبانی می‌کنند. آنها در عمل در برابر توسعه آموزش و پرورش مقاومت می‌ورزند و با جذب کارشناسان و استعداد های علمی مانع از تداوم رشد علمی و فرهنگی کشورهای رشد یافته می‌شوند. عده ترین سلاح ایدئولوژیک نو استعمار کمونیسم ستیزی است. ایدئولوژیک‌های امپریالیسم پیرایه جلوگیری از نفوذ و بسط اندیشه های سوسیالیستی در میان خلق‌ها و آرمانه‌های ولای سوسیالیسم و دستاورد های تاریخ ساز کشورهای سوسیالیستی را تحریف و نفی می‌کنند و مساعی کمونیست‌ها و اهداف سیاست‌های احزاب کمونیست را واژگونه جلوه می‌دهند. آنان می‌کوشند به خلق‌های کشورهای

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان!

دمکراسی سوسیالیستی و دمکراسی بورژوایی

در غرب هرگاه در باره نظام حاکم در کشورهای سوسیالیستی صحبت می‌کنند، خواه ناخواه تا خواه بسط نماید، آن با دمکراسی بورژوایی می‌پردازند و نتیجه می‌گیرند که نظام بورژوایی از هر جهت برتر از نظامی است که در کشورهای سوسیالیستی حاکم است. باید گفت "کاشفان" این واقعیت بیشتر مبلغین سیاسی جوامع بورژوایی اند تا اهلادیان علمی "آن"، چرا که حتی آنها از نظریات و اندیشه های پایه گذاران این نظام در باره "کمیوندهای" آن بی خبرند و یا نسبت به آنها بی اعتنا هستند.

جوامع بورژوایی نخستین بار توسط پیشوایان آن مورد انتقاد قرار گرفتند. به عنوان نمونه جان استوارت میل متفکر انگلیسی در کتاب خود بنام "آزادی" می‌نویسد: "دمکراسی همواره محسوس می‌گردد و آزادی است، از سوی دیگر، محدودیت آزادی نه فقط دمکراسی را تهدید می‌کند، بلکه آن را خفه و نابود می‌سازد. آبراهام لینکلن تأکید می‌کند که همه ما خواستار آزادی هستیم، ولی هیچوقت نخواستیم که به مفهوم عمیق این واژه توجه کنیم." "ترگ و بره هر یک تصور جداگانه‌ای از آزادی دارند. کارگر و سرمایه دار هر یک مفهوم جداگانه‌ای برای دمکراسی قائل هستند، در کدام جامعه سرمایه داری به شعار اصلی انقلابهای بورژوایی - آزادی، برابری و برادری - عمل می‌شود؟ آیا هفتاد میلیونها انسان امکان دار کردن، آموختن دیدن، معالجه و بهره گیری از حد اقل مزایای زندگی را ندارند، می‌شود آن‌ها را در جامعه‌ای که این افراد در آن بسر می‌برند، از آزادی، عدالت، برابری و برادری برخوردار است؟

تأمین آزادی بدون تساوی اقتصادی ممکن نیست و این تساوی اقتصادی را نه نظام سرمایه‌داری بنده انقلابهای سوسیالیستی ایجاد می‌کنند. در سال ۱۹۴۴ بعد از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در بلغارستان، یکی از متفکران

بورژوایی این کشور بنام استیجان کوستوف اعتراف کرد که سالها در باره "تساوی" اندیشید تا مدت و بیرون آن که واقعی عملی برای انجام آن پیدا کند. او انقلاب سوسیالیستی بلغارستان را پذیرفت، زیرا در عمل مشاهده کرد که این انقلاب در نخستین سالهای پیروزی شرایط را برای تعمیم تساوی اقتصادی در کشور فراهم ساخت. با خلقید از سرمایه داران و زمین داران بزرگ در سال ۱۹۴۷، میلیونها کارگر صاحب وسایل تولید و میلیونها دهقان مالک زمین و افزاین کار خود شدند. طبیعی است وقتی از کسانی که در انقلاب سوسیالیستی ۱۹۴۴ با خنده بپریدند که دمکراسی نیست و آیا در جمهوری تودای بلغارستان دمکراسی وجود دارد یا خیر، بخوابند گفتند این کشور چیزی به این معنی حاکم نیست برعکس میلیونها کارگر و دهقان بلغاری پاسخ می‌دهند داد آید، ما از تساوی حقوق، حق حیات و شرکت در سرسختی خود برخورداریم. این در عمل مفهوم سخن لینکلن است، که ترگ و بره هر یک درک جداگانه‌ای از دمکراسی و آزادی دارند. یعنی این که سرمایه‌داری می‌خواهد آزاد باشد تا استثمار کند و کارگر می‌خواهد از بهره‌کار همیشه زندگی کند.

جامعه معاصر بلغارستان اینک از مرحله دیکتاتوری بورژوایی - که در نخستین سالهای انقلاب بدون آن امکان ایجاد جامعه مرفه - سوسیالیستی وجود نداشت - نام در راه تأمین تمامیت عمومی خلق نهاده است. این حاکمیت را شرکت وسیع توده‌های زحمتکش شهری و روستایی در شرکای خلق، ارگانهای اداری جامعه، پارلمان و دیگر نهادهای اداری کشور، تأمین می‌کند. در کشور آنچنان شرایطی ایجاد شده که کمتر اقدامی بدون شرکت و دخالت وسیع مردم انجام می‌گیرد. زحمتکشان بلغاری در اداره آموزش و پرورش، فرهنگ و بهداشت بنظر وسیع شرکت می‌برند. در جنب تمام نیروهای خلق که توسط

اتیوپی در راه سوسیالیسم

نام رسمی کشور: جمهوری سوسیالیستی اتیوپی

مساحت: ۱۲۲۱۶۰۰ کیلومتر مربع

جمعیت کشور: ۰۰۰/۶۲۰/۳۰ نفر (در سال ۱۳۵۸) جمعیت پایتخت: ۰۰۰۰۰/۱۷۲۰۰ نفر

نگاهی کوتاه به تاریخ محاسراتیوپی (حبشه)

اتیوپی در رسانه های عمومی کشورهای سرمایه داری و خبرگزاریهای امپریالیستی همواره مدعی تعرض شهاجرتلیخی است و چنین وانمود می شود که گویا حتی قحطی و خشکسالی هم در این کشور ناشی از سمنگیری سوسیالیستی آن است. به این گونه همه دستاورد های انقلاب دیمکراتیک این کشور در سایه این تبلیغات زهرآگین قرار می گیرد.

اتیوپی در سالهای دهه پنجاه یکس از پایگاه های امپریالیسم در آفریقا و هیلاسلاسی امپراطور اتیوپی یکی از خدمتگزاران شناخته شده امپریالیسم جهانی بود، که با شاه معدوم نیرروابط نزدیک داشت. امپریالیسم آمریکا برای سیادت هر چه بیشتر بر دریای سرخ و تامین منافع امپریالیستی خویش با تکیه به اتیوپی هیلاسلاسی نفوذ خود را در منطقه گسترش می داد. مستشاران آمریکایی کنترل ارتش اتیوپی را در دست داشتند. در سالهای ۷۴-۱۹۷۳ برای چندمین بار به

ظلمت خشکسالی در این کشور که از هرگونه کمکی از سوی مقامات دولتی هیلاسلاسی محروم بود، حدود ۴۰۰ هزار نفر از مردم (بویژه دهقانان) منقله و لو و تیرگه جان خود را از دست دادند.

در سال ۱۹۷۴ در نتیجه تروم و افزایش قیمت بنزین، ابتدا کامیونداران و تاکنساران دست به یک اعتصاب نامحدود زدند و به دنبال آن نظامیان در سراسر کشور سر به شورش بر آوردند و دانشجویان و استادان، که در تظاهرات و اعتصابات نقش مهمی ایفا می کردند، به نظامیان پوستند. هیلاسلاسی ناگزیر به تودهای زحمتکش اتیوپی و ده سلطنت مشروطه را داد. سازمانهای کارگری ایمن دروغ را نیز برفتند و در پاسخ دست به یک اعتصاب همگانی زدند. هیلاسلاسی دستبر سرکوب داد و بسیاری از مردم مبارز را به خاک و خون کشید و شماری را نیز دستگیر کرد و به سياهچالهای امپراطوری روانه ساخت. اما انقلابیون اتیوپی با

زحمتکشان انتخاب می شوند، سازمانهای ویژه ای برای کنترل و نظارت بر تار مجامع فرغنی، بهداشتی آموزشی و حتی تجارت بوجود آمد است.

در سال ۱۹۸۳، زحمتکشان شهری و روستائی ۴۲۲۲ نماینده برای شورا های خلق ۲۰۱۵۹۴ - نمایندده برای شورا های محلی ۳۹۴۸۴ شهردار و ک خدا ۱۹۳۸۱ نماینده برای نظارت بر کسار شهرداری ها و شورا های محلی در روستاها انتخاب کردند. در کدام کشور سرمایه داری مردم اینچنین وسیع و بی واسطه در سرنوشت خود شرکت می برزند؟ قانون اساسی بلغارستان بر لزوم شرکت وسیع توده های مردم در همه امور تاکید می کند. دیمکراسی در جمهوری سوسیالیستی بلغارستان

و دیگر کشورهای عضو این خانواده حرف نیست، واقعیت است. در بلغارستان همه مردم از حق تار کردن، آموزش، زیستن در خانه های مساعد و شرکت وسیع و بی مانع در سرنوشت خرید بهر مند مستند. این حقیق تنها روی کاغذ نیامده بلکه جامعه سوسیالیستی امکان استفاده از این حقیق را برای تمام افراد کشور فراهم ساخته است.

مردم بلغارستان از دیمکراسی درکی جداگانه و تفاوت از آنچه مبلغان و متفکران جوامع سرمایه داری تبلیغ می کنند، دارند. آنها با دلیل به مجموع دستاورد های خود در جامعه سوسیالیستی می بالند.

شکل و اتحاد به مقابله پرداختند .

در پی این شورش مردمی ، در ژوئن ۱۹۷۴ کمیته هائنگی نیروهای ارتش و پلیس قدرت را در اتیوپی به دست گرفت و توانست هیلاسلاسی را چند ماه منزوی و سپس دستگیر و زندانی کند . به دنبال آن شورای موقت نظامی ، که تصمیم گیریهای دولتی را انجام می داد ، به ریاست میخائل آندوم بوجود آمد . مدتی پس از آن آندوم به علت توطئه علیه حکومت انقلابی از مسئولیتش برکنار شد و سرگرد هایله ماریام به عنوان معاون اول رئیس جمهور انتخاب گردید .

در ۲۷ نوامبر ۱۹۷۴ ژنرال "تفری بان" به سمت رئیس دولت و صدر شورای موقت نظامی برگزیده شد . در دسامبر ۱۹۷۴ شرایطی بیانیه ای برای اولین بار به انتخاب سمنگیری سوسیالیستی برای اتیوپی اشاره کرد .

در سال ۱۹۷۵ امتحان از ۱۰۰ شرکت خارجی ملی اعلام شدند و به دنبال آن انقلاب ارضی صورت گرفت و تمام اراضی زراعی میان دهقانان اتیوپی تقسیم گشت . در چارچوب برنامه هسای سوسیالیستی اعلام شده از طرف دولت ، مدارس خصوصی ، در اختیار دولت قرار گرفت .

در آفریه ۱۹۷۷ یک کودتای نظامی توسط گروه "تفری بان" و "اسرات دست" و "میروهیلا سلاسی" (پسر امپراتور که با شورای نظامی همکاری می کرد) انجام گرفت . این کودتا پیدرتنگ سرکوب شد و عاملان آن اعدام شدند . به دنبال این کودتای نافرجام ، شورای موقت نظامی سرگرد هایله ماریام را به ریاست جمهوری برگزید . در نوامبر ۷۷ معاون رئیس جمهور "اتافو آبات" دست به یک کودتا زد که بلافاصله این توطئه ضد انقلابی نیز خنثی و عامل آن کشته شد .

در اواسط سال ۱۹۷۷ انقلاب در معرفی خطر جدی قرار گرفت . سوماتی به خاک اتیوپی حمله کرد و منطقه "اوکان" را به اشغال خود درآورد . از طرف دیگر نیروهای جدایی طلب اتریره حملات خود را به نیروهای نظامی اتیوپی تشدید کردند و ضد انقلاب داخلی با بمب گذاری و ترور جوشنچی را در کشور بوجود آوردند . دولت اتیوپی برای خنثی کردن توطئه های امپریالیستی و تجاوز خا...

جی از دولت کوبا تقاضای کمک کرد . در تاریخ ۲۲ ژانویه ۱۹۷۸ نیروهای اتیوپیایی حملات وسیعی را علیه متجاوزان سوماتی آغاز کردند و در ۱۴ مارس همان سال آنان را تارومار ساختند .

در دسامبر ۱۹۷۹ تصمیم گیری مهمی برای تحکیم دستاورد های انقلابی اتیوپی صورت گرفت و کمیسیونی برای تشکیل یک حزب کارگری به وجود آمد . در ژوئن ۱۹۸۰ اولین کنگره آن در آدیس آبابا با حضور ۱۵۰۰ نماینده برگزار شد . این کنگره وحدت نیروهای پشاهنگ اتیوپی را تأمین کرد ، که سر انجام در سال ۱۹۸۴ به حزب زحمتکش اتیوپی تبدیل شد . در کنگره مؤسسان حزب زحمتکش اتیوپی تأکید شده است که برنامه استراتژیک حزب مبتنی بر "فراهم آوردن پایه های مادی و فنی ساختمان سوسیالیسم است" .

اوضاع اقتصادی - اجتماعی

اقتصاد اتیوپی بیشتر کشاورزی است . اما از یک میلیون و دویست هزار کیلومتر مربع از وسعت این کشور فقط ۹ درصد آن را می توان مورد بهره برداری کشاورزی قرار داد . ۵۰ درصد آن چراگاه ، ۲۱ درصد زمین باتلاقی و کبیر ، ۱۰ درصد دریاخانه و دریاچه و ۹ درصد آن نیز جنگل است .

حدود ۱۰ میلیون نفر از مردم اتیوپی (حدود ۸۸ درصد از جمعیت فعال کشور) در رشتن کشاورزی فعالیت دارند . بعد از اصلاحات ارضی حدود ۹ میلیون نفر از دهقانان در ۲۷ هزارانجند دهقانی جمع شده اند . این انجمن ها شامل کشاورزانی تولید و مزارع دولتی هستند . انجمن ها و شوراهای دهقانی نقش اساسی و تعیین کننده ای در پیشبرد برنامه های انقلاب ارضی دارند .

در ده ساله اول انقلاب پیشرفتهای قابل ملاحظه ای در گسترش صنعت ، تقویت زیر بنای اقتصادی و تقویت بخش های دولتی و تعاونی اقتصاد انجام یافت . در اوایل سال ۱۹۸۰ کارخانه های دولتی ۹۳ درصد تولید صنعتی خام و ۹۲ درصد وسایل تولید را تهیه می کرد . در سال ۱۹۸۴ بخش دولتی ۸۰ درصد بازار داخلی و ۷۵ درصد بازار خارجی را کنترل می کرد . در دهه هین سالگرد ملی کردن کارخانه های خصوصی ، تعداد این کارخانه های صنعتی به دوبرابر افزایش یافت .

قابل توجهی در شمال شرق اتیوپی کرد، بسیاری از ساکنان آن منطقه به علت گرسنگی و تشنگی مردند. در این هنگام حزب زحمتکشان اتیوپی در یک جلسه فوق العاده از کشورهای جهان استمداد کرد. کشورهای سوسیالیستی و در صدر آنها اتحاد شوروی همکاریهای خود را با اتیوپی گسترش دادند. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی با ارسال دارو و مواد غذایی و تامین وسائل نقلیه از قبیل هواپیما و کامیون و... برای جابجایی ساکنان آسیب دیده ناشی از خشکسالی کمک های قابل توجهی به دولت و مردم اتیوپی کردند.

کشورهای امپریالیستی، که در جریان کامل مسئله خشکسالی بودند، نخست می پنداشتند که حزب زحمتکشان اتیوپی و دولت اتیوپی قادر به مقابله با مسئله خشکسالی نیستند و بزودی سرنگون خواهند شد. از ارسال هرگونه کمک به تحطی زدگان خود داری کردند. اما زمانی که مشاهده کردند که کشورهای سوسیالیستی کمک های اقتصادی و کشاورزی خود را به اتیوپی گسترش دادند و همچنین حزب زحمتکشان اتیوپی انقلاب مردمی را با تمام نیرو رهبری می کند و احتمال سرنگونی نمی رود، دست به یک رشته کمک های تبلیغی زدند و با ارسال کمک های غذایی و دارویی خود تبلیغ علیه حزب زحمتکشان اتیوپی و دولت مردمی آن را سازماندهی کردند. اکنون امپریالیستها و رسانه های گروهی وابسته به آنان از احساسات بشر دستاورد مردم کشورهای غربی سوءاستفاده کرده و می کوشند خشکسالی در اتیوپی را به یک موضوع تبلیغی علیه توانمندی جهنگری سوسیالیستی تبدیل کنند.

مردم اتیوپی در جشن سالگرد تاسیس حزب زحمتکشان اتیوپی در ۱۹۸۵ تجدید کردند که هنگام با انقلاب بر همه مشکلات موجود فائق آیند و توانمندی کامل از پای نمانند.

از سال ۱۹۷۴ تاکنون بیش از ۹۰۰۰ کیلومتر جاده ساخته شده است. خطوط راه آهن مسمی در کشور اتیوپی وجود دارد. یکی از مهمترین آنها خط راه آهن اتیوپی - جیبوتی (به طول ۸۸۰ کیلومتر) است که ۸۹ درصد آن از اتیوپی می گذرد. همچنین پیشرفتهای قابل ملاحظه ای در بخش های آموزشی و بهداشتی انجام گرفته است. از سال تحصیلی ۷۴-۹۷۳ اتحاد دانش آموزان مدارس از یک میلیون و چهارصد و سه هزاره میلیون و پانصد هزار رسید است. در روزهای پیروزی انقلاب بیسوادان در اتیوپی ۹۷ درصد جمعیت کشور را تشکیل می دادند. اکنون این درصد به ۳۷ رسید است. در برنامه ریزی دولت اتیوپی برای سالهای ۶۴-۹۸ پیش بینی شده است که بیسوادی بطور کلی ریشه کن شود.

در بخش بهداشت، به علت تنوع بیماریها از قبیل مالاریا، حصبه، دیفتری، جذام و... در اوایل انقلاب نهاد های مخصوصی برای مبارزه با این بیماریها تاسیس شد. آخرین گزارشها نشان می دهد که بیشتر این بیماریها از بین رفته یا در حال ریشه کن شدن است. دولت اتیوپی برای آشنایی هر چه بیشتر مردم به امور بهداشتی و پزشکی، کاننوزهای پزشکی ایالتی و پایگاههای پزشکی مختلف در سراسر کشور احداث کرده است.

برای اولین بار در تاریخ اتیوپی سازمانهای ویژه ای برای حمایت از مادر و فرزند برپا شده است. دولت اتیوپی، که پس از پیروزی انقلاب سپتامبر ۷۴ توانسته بود با یک سلسله برنامه های دقیق و انقلابی بسیاری از مشکلات باقی مانده از گذشته را از میان بردارد. با عیدایش خشکسالی نتوانست در برنامه ریزی ده ساله خود ۸۴-۹۷۴ در قسمت کشاورزی موفقیت چشمگیری کسب کند. در اواخر سال ۱۹۸۴، که خشکسالی پیشرفت

جوانان! برای استقرار صلح پایدار

بر روی زمین مبارزه کنید!

به مناسبت ۱۲۰ امین سال تولد دیمیتریلاوف

بلاگوف

"پدر" کمونیستهای

بلغارستان را بشناسیم

— بنیاد گذار —

اوپه این نام معروف است • دیمیتریلاوف بنیاد گذار حزب کمونیست، نخستین مبلغ و مروج مارکسیسم-لنینیسم، و پیشوای جنبش کارگری در شهر خود - بلغارستان است • هنوز پا به سن چهل سالگی نداشته بود که او را پدر می خوانند و این تشبها به خاطر احترام و محبتی بود که برای این انقلابی جسور قائل بودند •

دیمیتریلاوف هنگامی پای به این جهان نهاد که کشور او هنوز در اسارت ترکهای عثمانی بسود • او در مکتب رزمندگان آزادی بلغارستان تربیت شد • آموخت و با گذشته کشور خود عمیقاً آشنا گردید • در سال ۱۸۷۶ هنگامیکه هنوز بسن ۱۰

سالگی نرسیده بود تفنگ بدوش گرفت و در قیام عمومی خلق علیه اسارتشان ترک شرکت کرد و سان بعد از آزادی بلغارستان، در سال ۱۸۸۰ برای تکمیل آموزش خود رهسپار روسیه شد • در آنجا با جنبش کارگری و مبارزات طبقاتی آشنا گردید • برای نخستین بار به مطالعه آثار مارکس و انگلس پرداخت • بلاگوف عوادار مارکسیسم و مبلغ پسا برجای آن گردید • در همان حال که به آموختن علوم طبیعی اشتغال داشت به فعالیت های سیاسی پرداخت • بلاگوف موفق شد در شهر پتربرگ (لنینگراد امروز) نخستین سازمان مارکسیستی را که بعد ها به "گروه مارکسیستی بلاگوف" معروف گردید تشکیل دهد • گروه مذکور شروع به انتشار روزنامه ای بنام "رابوچی" (کارگر) کرد • این نخستین روزنامه سوسیال دمکرات های روسیه است • روزنامه رابوچی با استقبال گستره

برونتراری انقلابی روس روبرو گردید •

پلیس تزاری در سال ۱۸۸۵ (حد و یکسال پیش) بلاگوف را بازداشت کرد و بعزت فعالیت های انقلابی که انجام می داد وی را مجبور کرد خاک این کشور را ترک کند •

در بلغارستان شرایط دیگری متفاوت از روسیه حاکم بود • در اینجا سبفه تاریخی هنوز رشد نکرد • بود • سرمایه داری نخستین نام های خود را بر می داشت • با وجود این بلاگوف بیچاره تنگست •

او شروع به انتشار مجله ای کرد که در طالع سرمایه داری جامعه سوسیالیستی را نهاد می داد • مجله "راعتالی معاصر" شروع به تبلیغ و ترویج اندیشه های مارکسیسم در بلغارستان کرد •

به ابتکار بلاگوف در سال ۱۸۹۱ حزب سوسیال دمکرات کارگری بلغارستان تاسیس شد • این حزب

بقیه در صفحه ۲۳

بر دانشجویان ایرانی در اتریش ...

بقیه از صفحه ۱۲

مسئله اقامت نیز از مشکلاتی است که سال به سال سخت تر می شود. و بخصوص برای تازه واردان مشکلات زیادی را ایجاد می کند.

از طرفی سفارت جمهوری اسلامی نیز مشکلات زیادی را برای دانشجویان بوجود می آورد قطع کردن ارز تحصیلی - ثرفتن ۴۵۴۰۷ شیلینگ بابت تعویض گذرنامه فرستادن جاسوس در لباس دانشجویان در میان دانشجویان برای پیدا کردن به اصطلاح نقطه ضعفی از آنان و پناهندن تخم نفاق و بدبینی در میان آنان و ... بخصوص اینکه در ۲ سال اخیر تعداد دانشجویان حزب الهی رویه فزونی گذاشته است. آنطور که از شواهد بر می آید وظایف آنان از جمله تحت نظر داشتن یکن پیکر - لو دادن دانشجویان شرکت در راه پیمایی ها و جشن های سفارت و جلسات اسلامی و ... غیره می باشد. برای حزب الهی ها همه کوزه املائی وجود دارد حتی ثرفتن پذیرش دانشگاه از طریق سفارت در هر رشته ای که مایل باشند.

این بود تصویری اجمالی از وضع دانشجویان ایرانی در کشور اتریش. به رغم این وضعیت، سازمان شراسری دانشجویی که بیانگر منافس و خواسته های صنفی و سیاسی دانشجویان ایرانی در اتریش باشد وجود ندارد. در صورتی که لزوم وجود چنین سازمانی به روشنی حس می شود. با این همه، در این زمینه فعالیت های جدا از هم و پراکنده ای صورت گرفته و می گیرد، دوستی و اتحاد در میان دانشجویان رشد می یابد و زمینه های گسترش آن بتدریج فراهم می گردد. و می توان امیدوار بود که فعالیت های امروز شالوده پشای سازمان دانشجویی فردا باشد.

بطوریکه ثرفتن پذیرش از دانشگاه خیلی سخت شده، در بعضی از رشته ها مانند پزشکی و داروسازی و ... بکلی متوقف شده است. و باز بجای رسیده است که برای پذیرفتن دانشجویان ایرانی، دانشگاه کشاورزی وین، کشور به زمان گذاشته است. و تازه پس از ورود به دانشگاه باید رفتاری اسنادان در بعضی از رشته ها ... دانشجویان خارجی را نیز به مشکلات اضافه نمود. نمیدانم امتحانات آزمایشی، بخصوص در رشته های شیمی، الکترونیک و فاهمی نبودن کمپوتر برای دانشجویان رشته انفورماتیک و محدود بودن تعداد شرکت کنندگان در امتحانات، مشکلات دیرترند. مثلا دانشجویان پزشکی برای اسم نویسی در بعضی امتحانات باید شب تا صبح پشت در استیون خوابند تا بتوانند اسم نویسی کنند. تحصیل در اتریش بر مراتب پیش از آنچه که پیش بینی شده است طول می کشد و طبق آمار از هر ۳ و ۲ نفر تنها ۱ نفر به تحصیل ادامه می دهد و دانشگاه را تمام می کند. مدت میانگین تحصیل برای رشته های مهندسی ۶ تا ۸ سال و پزشکی ۷ سال می باشد. از دیگر مشکلات نمیدانم خوابگاه های دانشجویی با اتاقهای انفره را باید نام برد. قیمت یک وعده غذای ریز در ناها رخروری دانشگاه و یا در یک منزای (رستوران) دانشجویی چیزی در حد یک ۲۴ شیلینگ (تقریبا ۵ مارک) است و سال به سال قیمت مواد غذایی و خدمات بالاتر می رود. چنانکه مثلا در طول ۵ سال گذشته قیمت غذا در منزا و بلیت وسایل نقلیه تا ۲ برابر افزایش پیدا کرده است.

برای پایان دادن به جنگ خانمانسوز،

مبارزات خود را تشدید کنیم!

دارالفنون

بقیه از صفحه ۱۵

یکتاش نامه یا داستان رمانتیک گلستان ارم
تاریخ مختصر ایران و تدوین فرهنگ انجمن آرای
ناصری،

اعتاد السلطنه : محمد حسن خان صنیع الدوله
معروف به اعتاد السلطنه از اولین محصلان
دارالفنون است که ۱۱ سال در رشته پاده نظام
و فرانسه تحصیل کرد و با مدال طلا آن را پایان
برد . او در عمر خود مسئولیتها و مشاغل مختلف
داشت از سال ۱۳۰۰ هـ. ق وزیر انضباطات
شد . روزنامه ایران و اطلاع را تأسیس کرد و بر اثر
مساعی او معطوبات و معارف ایران در این دوره به
پیشرفت چشم گیری دست یافت . کتابهای زیادی
بنام او انتشار یافته است که بنا بر نظر بسراون ،
محمد محیط طباطبائی و استاد محمد قزوینی بجز
چند کتاب ، آثار دیگر منسوب به او ، در حقیقت
تالیفاتی است که زیر نظر و به سرپرستی او یا
توجه به مقام و موقعیتی که داشته است توسط
دیگران تحقیق و تألیف شده است . او در نگاه
شخصی خود بیشتر از ۴۰۰۰ جلد کتاب سه
زبانهای مختلف داشت و تردیدی نیست که خود
نیز مرد مطالعه و تحقیق بوده است . آثار منسوب
به او بسیارند از آن جمله اند کتابهای زیر :
نامه ، دانشوران - مرآت البلدان ناصری در
جغرافیا و تاریخ شهرها و شهرستانها در چهار
جلد - تاریخ منتظم ناصری در سه جلد - جزرات
احسان در شرح حال زنان معروف اسلام و نمونه
اشعار گویندگان زن در سه جلد ، فرهنگهای
پارسی به فارسی ، عربی به فارسی ، جغرافیای
در عالم نمایشنامه طیب اجباری اثر مولیر و غیره
نیره ، از نازهای با اهمیت و تنظیم و تأیید روزانه
پانزده ساله آخر عمر خود و وضع در سباز
ناصرالدینشاه در هفت جلد خطی است که سب
جلد آن بنام "روزنامه" خاطرات اعتاد السلطنه با
مقدمه ایراج افشار در سال ۱۳۴۵ منتشر شده
است . معروفترین اثر ادبی او نمایشنامه
بقال زی در حضور و رساله خوابنامه است که
بعد از مرگ بنام یک پرده از اسرار انداط ایران
یا خوابنامه مرحوم اعتاد السلطنه با مقدمه محمد

مولیر که نمایش و نمایشنامه نویسی را به ایران آورد
و به پیشرفت آن نیز کمک کرد آثار مبتذل و بیشرایق
افتاده و حتی کتابهای جنائی بازاری نیز در همین
دوره نشر می یافت مثلا داستان مفصل ریکامبول و
سرگذشت مادام دیمونت پانتیه در همین دوره
انتشار یافته است .

ترجمه این کتابها با همه نقایصی که بر آن متصور
است در عین حال آن نخستین قدمهای موثری
است که نشر فارسی را از عمارت های مسجع و حنوع
نه از مزایای نثر ادبی تا آن زمان شمرده می شد
آزاد کرد و به پیدایی نثر ساده و طبیعی انجامید
سوم ، تأثیر دیگر تأسیس دارالفنون پیدایی یک
نثر از روشنگران و از آن میان شاعر نوچیسو و
ترتیبخواهی از میان شاگردان و کارکنان آن است
که در تحول فکری جامعه ایران و در تحول اثر
نداشتند . از تحصیل سخن در این مورد می گذریم
و فقط از چند تن از آنان که به نحوی از انحاء
مشاء اثر بودند به اجمال یاد می کنیم .

رنا قلی هدایت یکی از شخصیت هایی که تاه
عمر خود را به مطالعه ، تحقیق و تألیف گذراند
و از نظر وسعت و اطلاع حتی بر همکاران اروپایی
خود برتری داشت . هدایت ، نویسنده ، شاعر
و مورخ بنام این دوره است که ۱۵ سال مدیر و
سرپرست دارالفنون بود و به گفته ی . هرتس
"یکی از ادبا و دانشمندان زبان شناس ایرانی
است که نه تنها دارالفنون بلکه هر مؤسسه آموزشی
اروپایی نیز می توانست به داشتن چنان مدیر و
سرپرستی افتخار کند" .

هدایت آثار زیادی از خود بجا گذاشت که از
آن جمله می توان از تألیفات زیر نام برد .
سفارت نامه خورزم (که به فرانسه نیز برگردان شده
شد)

دیوان قصائد و غزلیات (در حدود هزار بیت)

رباعی العارفین (تذکره شعرای صوفیه)

مجمع الغصحا

تخیل روضه الصنای ناصری در ده جلد

برداشت است. او اولین کسی است که "در ایران اراده ملت را متشکل قدرت دولت دانسته و از تفکیت قدرت دولت و نفوذ روحانیون و از برابری اتباع مسلم و غیر مسلم از نظر حقوق اساسی سخن رانده و حتی پیش از ملوک گفته که شاه و گدایان برابر قانون مساوی هستند." این رساله از اولین آثار آزادیخواهان ایران است که در آن زمان نقش ترقی العبادت و در تحریک احساسات و بیداری مردم داشته است. این رساله به گفته ناظم الاسلام کرمانی که خید عضو انجمن مخفی بود، کتاب را محتای سیاسی انجمن بوده است. وی با میرزا فتحعلی آخوندزاده آشنائی داشت و تحت تأثیر او که در سال ۱۳۰۶ که تزار خارجی امر آن را بیجان بود، نامه مفصلی به شاه نوشت و ضمن انتقاد از حکمت استبدادی و فساد دربار خواستار ایجاد حکمت قانون و برقراری آزادی و مساوات گردید.

مستشارالدوله را به بهانه این نامه نوشتن رساله یک کلمه در سال ۱۳۰۹ به فرمان شاه "محبوب" و "از آذربایجان به قزوين منتقل گردند و در عمارت "رکنیه" آنجا زندانی گردند." و در زندان اجازه ملاقات با کسی حتی زندانیان دیگر را نداشتند. "گنجینه در زندان چندان آزارش دادند و کتابچه را به سرش کوبیدند که چشمانش آب آورد و چندسال بعد درگذشت."

(۱) در نتیجه این مطلب پیوسته از کتابهای از صبا تا نیما تألیف حبیبی آرین پور و هم چنین امیر کبیر و ایران تألیف فریدون آدمیت استفاده بعمل آمده است.

برای استفاده مسالمت آمیز...

بنیاد و میراث همه نسلهای انسانی است، نباید در خدمت چند باستان، بلکه باید در خدمت صلح جهانی و ترقی اقتصادی و اجتماعی همه انسانها قرار گیرد. دستیابی به این هدف به تلاش بی‌گیر همه انسانها، همه خلقهای روی زمین بستگی دارد. دستاوردی امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا را در نظامی کردن فضای مابرای جو ببندند.

سپید خروائی در سال ۱۳۲۴ چاپ شده است. محمد ظاهر میرزای یکی از مترجمان خوب این دوره است که با میرزا ابوالحسن جلوه از "یاز پستی نماند" آن فلسفه کلاسیک ایران "همشینی داشت و تمام عمر خود را به مطالعه و تحریر گذراند. اثر کتابهای الکساندر دوما پدر از ترجمه های اوست. وی کتابهای متعددی ترجمه کرده و خود نیز چند کتاب و تعایشنامه نوشته است.

امین الدوله - میرزا علی خان امین الدوله کسی است که ناصرالدینشاه پسر از سفر سوم خود به اروپا، امر تدوین قانون را به او سپرد و او نتیجه ای در این مورد تنظیم کرد. عم او بود که در موقع پشنگاری خود در آذربایجان، حاج میرزا حسن رشیدی را که پسر از هجوم ملاها در پست مدرسه رشیدی به قتل فرار کرده بود به تبریز خواست و مجدداً بوسیله او در پستان کوهی در تبریز بنا نهاد و همین کار را در ایام سداشتر در تهران نیز تکرار کرد. وی مؤسس انجمن معارف و مشوق جراید و مطبوعات بود. لایحه ای به شاه تسلیم کرد که در آن نوشته بود "اول باید موجب شاه معلوم و محین باشد تا سایر تالیف معلوم گردد." او مردی روشن فکر و اصلاح طلب بود و با پیشوایان تبعید و آزادی مانند سید جمال الدین افغانی، سپهسالار نجه آبادی و میرزا ملوک خان نیز ارتباط داشت. سرانجام او نیز بحالت اصلاحاتش مورد عجز و ملاها باقتض و به بی دینی متهم گردید و از نار برکنار شد.

امین الدوله سبک محرمی نیز در نوشتن آورد که به نام سبک امین الدوله معروف است. د و کتاب معروفش "سفر مکه و خاطرات سیاسی امین الدوله است."

میرزا یوسف خان مستشارالدوله تبریزی - از پیشروان و آزادیخواهان دوره ناصرالدینشاه است که در تاریخ بیداری ایرانیان مقام بالایی دارد. نایب، بنفرد را باره، تاسیس راه آغمن نوشت و فتیان روحانیون را ترفند و هدایت افکار سیاسی خود را در رساله "بیت لکه که مندرج در این نامه همان نانون بود نوشته و در آن به تشریح معانی حکومت ملی و حقوق اساسی فرود

مصاحبه با دبیر اول سازمان جوانان اسپانیا

مبارزه مخفی سیاسی علیه رژیم فرانکو نقش بسیار زیادی ایفا کرد. اما در نتیجه، دستگیری های زیاد و از دست دادن نیرو، سازمان جوانان عملاً منحل شد و اعضای باقی مانده آن به حزب کمونیست اسپانیا پیوستند.

در سال ۱۹۶۰ سازمان جوانان دویساره تأسیس شد که متأسفانه با شروع انحراف های ایدئولوژیکی در حزب کمونیست اسپانیا در نیمه دوم دهه، نصت، همراه شده و در نتیجه این سازمان نتوانست چون گذشته نقش خود را در جامعه ایفا کند. در حقیقت آرو همونیه جنبش جوانان را خلق

سلاج کرد.

(تلاکثیو جوانان کمونیست) که در ژانویه ۱۹۸۵ تأسیس شد خود را وارث و ادامه دهنده جنبش جوانان کمونیست اسپانیا می داند که خدمات گرانمایی را به جنبش کارگری اسپانیا بطور اعم و جنبش ضد فاشیستی بطور اخص انجام داده است.

س- آیا فکر می کنید که وجود این همه بهاران های تبلیغی ضد شیروی در کشورهای سرمایه داری اروپا، از جمله اسپانیا، در نزد جوانانی که به کمونیسم نزدیک می شو، منهد آرو، حونیسم از فرایمی بیشتر نسبت به مارکسیسم-لنینیسم، بر خود اری باشد؟

ج- خیر. زیرا افرادی که بتوانند جذب آرو-مونیستها شوند، در واقع می توانند به سوی مونیالیستها بپیوندند. افرادی که اصمبول مونیسم را می پذیرند، ماهیت امپریالیستی تبلیغات ضد شیروی را درک می کنند و بی مونیسم و مارکسیسم-لنینیسم مرزی قائل نمی شوند.

س- مسائل میوه جوانان اسپانیا کدامند؟

ج- جوانان کشور ما نیز مانند جوانان دویساره کشورهای سرمایه داری درگیر مسائل و مشکلات بسیاریند که مبرترین آن ها مسئله بیکاری است. طبق آمار رسمی، نزدیک به ۴۸٪ جوانان کشور

س- رفیق، مختصری از تاریخچه سازمان جوانان کمونیست اسپانیا را برایمان نقل کنید؟

ج- جوانان کمونیست اسپانیا تا دهه اول قرن بیستم اکثر در سازمان جوانان مونیالیست فعالیت می کردند تا اینکه این سازمان هلا از حزب مونیالیست جدا شده و در سال ۱۹۲۱ همراه با انشعاب یون حزب مونیالیست و دویسره مونیستهای اسپانیا، حزب کمونیست اسپانیا را پایه گذاری کرد. در دهه سوم قرن جاری، شهرت مبارزه متحد علیه فاشیسم که مورد تأکید کمترین قرار گرفته بود، در شمعین کنگره جوانان کمونیست مورد بررسی قرار گرفت و در نتیجه جوانان کمونیست با جوانان مونیالیست و نیروهای مارکسیستی جدا شده از مونیالیستها در آریل ۱۹۳۶ حزب مونیالیست متحد را تشکیل دادند. این سازمان نقش بسیار برجستهای در سازماندهی و شکل توده ها در مبارزه علیه فاشیسم و نیز به خاطر انجام تحولات اجتماعی به نفع توده ها ایفا کرد. طی مدت کوتاهی تعداد اعضای سازمان ما به شصت هزار تن رسید. این سازمان در سالهای ۳۹-۱۹۳۶ در جنگ علیه فاشیسم فرانکیستها (معروف به جنگهای داخلی) و در دفاع از جمهوری و جبهه خلق عفات درختانی از تاریخ نبرد مردم اسپانیا را رقم زد.

پس از سقوط جمهوری دوم و استقرار حکومت فاشیستی فرانکو بر کشور دهها هزارتن از اعضای سازمان که به مهاجرت به فرانسه و یا اتحاد شوروی رفته بودند در جبهه های علیه متجاوزان آلمانی حماسه ها آفریدند و بخشی از آنها در اردوهای های اسرای مان هلازن آلمانیها به اسارت رفته شدند. پس از پایان جنگ دوم، تا سالهای ۱۹۵۰ بسیاری از آنان در جنبش چریکی علیه رژیم فرانکو که از حاکم فرانسه انجام می گرفت سرکشت کردند. پس از به بن بست رسیدن ایمن جنبش (این شکل از مبارزه) سازمان جوانان در

توانایی اقتصادی، نیمه تمام می‌گذارند، اضافه و نیز در نظر بگیریم که جوانان ما چگونه مسود عجیب فرهنگ و هنری محتوا، فاست و یا ضد انسانی و وارداتی آمریکائی، از طرف وسایل ارتباط جمعی قرار دارند، تصویری بسیار نا زیبا از وضع جوانان کشور ما ترسیم می‌شود.

س. موقعیت جنبش دانشجویی اسپانیا چگونه است؟

چ. دانشجویان ما علاوه بر مشکلات عمومی جوانان کشور، خود را به دو موضوع مهم دیگر مواجه می‌بینند: اول آنکه از خود می‌پرسند: پس از آنکه قسمت مهمی از زندگی خود را جهت سب علم و اخذ مدرک صرف کنیم آیا قادر به یافتن کار را می‌توانیم پیدا؟ بسیاری از دانشجویان

ما در بهناری پسر می‌برند. در بین جوانان کارگر بسیارند کسانی که بدون قرارداد کار، با ساعات کار خارج از قانون، با دستمزد پائین و عدم برخورداری از بیمه‌های اجتماعی، مسود حد اکثر استعمار قرار می‌گیرند. در بین آن اقلیت جوانان هم که کار می‌یابند و دارای قرارداد هستند، بسیاری از آنان پس از سه ماه کار، اخراج می‌شوند. (طبق قانون کار، کارفرما بایستی کارگران خود را پس از سه ماه بیمه کند) و بدین طریق، کارفرما از بیمه کردن کارگران جوان ظفره می‌رود. فقط ۲۲٪ این کارگران از بیمه‌های اجتماعی برخوردارند.

در اسپانیا بیش از ۷۳٪ جوانان از نظر اقتصادی به خانواده‌های حید وابسته‌اند و این



در عمل جواب این سؤال را "نه" می‌یابند. دو دهه آن ده، دولت بودجه کمی را به آموزش دانشگاه ملی اختصاص داد. است که این موضوع نتیجه‌ای جز سطح نازل آموزش و عدم تسهیلات دانشجویی لازم و فراهم شدن مشکلات بسیاری را برای دانشجویان در پی نداشته است. این در حالی است که دولت نزدیک به ۲ میلیارد پزو تا به خرید هواپیماهای جنگی F۱۸ از آمریکا اختصاص

پنی از دلائل است که آنان را از تشکیل خانواده محروم می‌سازد، احساس بیپیدی، افسردگی و ناامیدی و نداشتن آینده‌ای روشن از جمله مسائلی است که آنان را به طرف مصرف مواد مخدر می‌کشاند. در کشور ما ۲/۵ میلیون نفر نوجوی از مواد مخدر را مصرف می‌کنند و نیز بیش از ۲ میلیون نفر الکلی وجود دارد. اگر به این ارقام تعداد ۲۷٪ جوانانی را که تحصیلشان را به دلیل عدم

از طرف دیگر و بسیار مهتر خیانت اروکوئیستها در خلق سلاح جنبش‌کارگری اسپانیا با توجه به جو سموم تبلیغات ضد کمونیستی باعث شده است که عناصری از ریدو و فرمیس به درون جنبش کارگری راه یابند. سازمان ما در جهت مبارزه با این پدیده تلاش می‌کند.

برس با این اوصاف جوانان روستائی وضع بهتری ندارند؟

— جوانان روستائی در میان خیل عظیم بیکاران و سحر درناهی دارند. وجود هزاران دست‌بیار در کنار هزاران هکتار زمین بایر. در این مناطق بیثاری جوانان تبدیل به پدیده‌های بسیاری رح و خشن شده است. تا آنجا که دولت ناگزیر شد اعلام کند: کسانی که حتی قرار دادهای دو ماهه می‌بندند می‌توانند تا یک سال حق بیمه‌سازی دریافت کنند اما عملاً بیش از ۱۵۰ هزار مقاضی به علت آنکه همین دو ماه هم نتوانستند کار کنند، قادر به استفاده از این موقعیت نشدند.

من کار کودکان از چه سنی ممنوع است؟

چ — روی داغذ ۱۱ سالگی. اما عملاً نزدیک به چهار صد هزار کودک ۱۲ تا ۱۵ ساله در شرایط بسیار غیر انسانی مشغول کارند.

من — سازمان شما در مبارزه جهت حل مشکلات جوانان کشور، چه نوع همکاری‌هایی با دیگر سازمانهای جوانان مانند جوانان سوسیالیست و یا جوانان وابسته به حزب کمونیست اسپانیا (P.C.E) (منظور اروکوئیستهاست) دارد؟

چ — امروز وظیفه ما سازمان دادن آگاهان جوانان جهت کسب حقوق خود است. ما فکر می‌کنیم که امروز این فقط وظیفه ما نیست بلکه وظیفه تمام آنهاست که خود را در مکرات و سبب چپ می‌نامند. ما در جهت اتحاد با این نیروها در رابطه با مهمترین مسائل جوانان تلاش کرده و می‌کنیم. اما یافتن زبان مشترک کاری است بسیار دشوار، پیچیده و طولانی. با این حال ما مطمئنیم که این بهترین راه پیروزی است. بعنوان مثال در مبارزه جهت خروج اسپانیا از ناتو و غیره تمامی شرط و شرطهایی که برای همکاری بقیه در صفحه ۴۰

داده است. در مقابل چنین وضعی دانشجویان ساکت ننشستند. همانطور که سال گذشته و نیز امسال دیدیم، دانشجویان با اعتصاب و تظاهرات و دیگر اشکال اعتراض، در جهت بهبود وضع خود دست به مبارزه می‌زنند و نکته بسیار مهم این است که جنبش دانشجویی با مسائل اساسی کشور هر روز پیوند بیشتری می‌یابد بطور مثال شعار بودجه‌های نظامی را به افزایش تسهیلات آموزشی اختصاص دهید. یکی از شعارهای اساسی جنبش دانشجویی اسپانیاست. من لطفاً کمی راجع به وضعیت دختران جوان اسپانیا برامان بگوئید؟

چ — دختران کشور ما درگیر مسائل بسیار هستند. چه در رابطه با یافتن شغل، امکان تحصیل و چه در رابطه با مسائل و مشکلات کار پشوخت و خسته کنند. خانه. اما آنان با شرکت در مبارزه انقلابی جای شایسته خود را در بین جوانان کمونیست هر روز بیشتر می‌یابند اکنون ۴۲٪ اعضای سازمان ما را دختران جوان تشکیل می‌دهد. ما با تمام نیرو در جهت افزایش این رقم تلاش می‌کنیم.

من — کم نیستند کسانی که از ریدو و ضعف سازمانی یا چند دستگی در بین جنبش و خلق و نیز جنبش جوانان سخن می‌گویند، نظر شما در این رابطه چیست؟

چ — یکی از بزرگترین پدیده‌های پیروزی اسپانیا در به ثمر رساندن تغییرات مسألت‌آمیز رژیم فاشیستی فرانکو، لیبرالیسم بورژوائی دنیسی، تریق فرمیسیم به درون جنبش‌کارگری اسپانیاست. این بدان معنی است که جنبش‌کارگری در ایمن سالها دچار ضربات بسیار سختی شده است. افزایش بیکاری به میزان ۲۲٪ که به معنای بیکاری نزدیک به ۲ میلیون کارگر است، افزایش سرسام‌آور تورم و در نتیجه کاهش قدرت خرید مردم، طبیعتاً کارگران جوان را ناگزیر می‌کند که به قول معروف دست به عصا راه بروند. زیرا اخراج از کار به معنی انتظاری دردناک و فقری وحشتناک است. کارفرما هرگاه "صلاح" بداند می‌تواند کارگران را اخراج کند. تمام اینها از یک طرف و

در کانادا دهها حزب و سازمان،

فراخوان "ادیسی" برای آزادی زندانیان سیاسی را امضاء کردند

در تابستان امسال بیانیه ای از جانب سازمان جوانان و دانشجویان دموکراتیک ایران ("ادیسی") در کانادا انتشار یافت. در این بیانیه ضمن توضیح آزار و شکنجه مرسوم در ج ۱۰ و افشای اسرار قتل وحشیانه رفقا کی‌مش و شلتکی اعضای هیات سیاسی حزب توده ایران و رفتارهای نادرین طالبان و محمد رضا غربانی از سازمان زندانیان خلق ایران (اکثریت) و گروهی دیگر از انقلابیون که توسط رژیم جنایتکار ج ۱۰ به سباحت رسیده اند، از مردم آزادیخواه و صلح دوست خواسته شد که هر چه فعالیت در کارزار برای آزادی زندانیان سیاسی میهن پرلزده ما شرکت کنند.

در پاسخ به این بیانیه "ادیسی" با بیش از چهل حزب، اتحادیه، جمعیت و سازمان مترقی و نمایندگان احزاب و سازمان های انقلابی با امضاء تقاضا نامه های مربوطه خواستار قطع بدون تید و شرط شکنجه و اعدام در زندان های ایران و آزادی کلیه زندانیان سیاسی کشور شدند. از جمله امضاء کنندگان بیانیه می توان از کمیسر کمیست کانادا، سازمان زنان کمیونیست، سازمان های ایالتی حزب کمیونیست کانادا در بریتیش کلمبیا، مانیتوبا، ساسکاچوان، حزب کمیونیست نیک، کمیته متحده "ماه مه" در کانادا، بیسه نامیندگی بیش از ۶۰ سازمان و سندیکا و گروه ناندانی خارجی و متهم ناندادا، بخش های مختلف اتحادیه کارکنان دولتی، سازمان جهانی

کارگران یلسازی و پایه سازی شعبه کانادا، انجمن فعالیت های دموکراتیک دانشجویان تورنتو، اتحادیه آموزش کانادا (بخش ۳) کنگره صلح ناندادا، سندیکای نامه رسان کانادا (بخش ۱) مرکز اسپانیایی زبان های کانادا، انجمن صلح تورنتو، سازمان زنان کارگر متشکل، اتحادیه کارگران هنرمند، اتحادیه یهودیان مقیم کانادا (بخش تورنتو)، کمیته پاکستانی های مترقی مقیم ناندادا، اتحادیه دموکراتیک عراق در کانادا و آمریکا، انجمن بریتانیایی های دموکرات مقیم ناندادا، انجمن اوکراینی های متحد در کانادا، انجمن فعالیت برای آمریکای جنوبی در کانادا، فدراسیون روس های مقیم کانادا، انجمن حمایت

از نیکاراگوه در کانادا، فدراسیون کانادا - نیل، سازمان فنلاندی های مقیم کانادا، کنگره ملی آفریقا در کانادا، کمیته همبستگی با مردم اسلواوا، سازمان دموکراتیک قبرسی های مقیم ناندادا، انجمن فلسطینی های مقیم کانادا و چندین اتحادیه و سازمانهای دانشجویی و سندیکا های مختلف نام برد.

"آرمان" این تلاش جوانان و دانشجویان سازمان دموکرات ایران در کانادا را گرامی می دارد و همه جوانان و دانشجویان هم میهن را به گسترش فعالیت های افشاگرانه علیه رژیم و طلب همبستگی از احزاب، سازمانها، شخصیت های اجتماعی با مبارزه مردم رنج دیده، میهنان برای صلح و آزادی و سرنگونی رژیم فراق می خواند.

متحداً برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنیم

این زن چه زیباست!

گنجشک "ولایت فقیه"

"گزارش خبرنگار، خبر گذاری اسلامی
حاکمیت پس از آزاد سازی شهر مهران هنگامی
که عده ای از رزمندگان در کنار تپه ای در خیالی
این شهر مشغول استراحت بودند يك گنجشک
در فاصله کمی از آنان به زمین نشست."

نماینده و جهاد سازندگی اعزاز خود شاهد
این جریان بوده است به خبرنگار خبر گزاری
جمهوری اسلامی گفت: یکی از رزمندگان
سنگریزه ای به طرف گنجشک پرتاب کرد لیکن
گنجشک مزبور محل را ترك نمی‌کند. در این
لحظه رزمندگانی که حرکت گنجشک را زیر نظر
دارند بطرف این پرنده حرکت می‌کنند و اكمال
تعجب مشاهده می‌کنند که گنجشک نوك خود را
مرتبا به زمین می‌مالد. هنگامی که رزمندگان اقدام
به حفر زمین می‌کنند با اجساد چند شهید که در
طول جنگ تحمیلی توسط جوی بعضی به شهادت
رسیده و در تپه های اطراف مهران دفن شده اند
مواجه می‌شوند.

گنجشک مزبور سپس به روی تپه دیگری پسر واز
می‌کند و همان عمل را نیز تکرار می‌کند و رزمندگان
که این پرنده را تعقیب می‌کردند تپه مزبور را حفر
می‌کنند که با اجساد دیگران شهدای جنگ
تحمیلی مواجه می‌شوند. عمل این گنجشک ۱۳ بار
تکرار می‌شود و به این ترتیب ۴۵ جسد که قبلاً
تصور می‌رفت مفقود الاثر باشند کشف و شناسایی
می‌شود. (نقل شده موبه مواز روزنامه
جمهوری اسلامی ۲ مرداد ۶۵)

ورزش و عفت عمری

"ورزش به شکلی که بند و بندگ در در تلوزیون
دیدیم ام که جوانان لخت شده و فقط يك زیر
بیراهن و شورت ورزشی پوشیده و با هم کشتی
گرفتند و یا فوتبال بازی می‌کنند هر چند خسود
اینکار در خلوت و دور از انظار مردم شرعاً
فی نفسه جایز باشد ولی ارائه آن برای میلیونها
بیننده و تماشاچی عفت عمومی را به خطر انداختن
نیست؟ (صاحب الزمانی) نمایند، مجلس،
روزنامه جمهوری اسلامی ۱۴ مرداد ۱۳۶۵)

"... شما يك فيلم را پخش می‌کنید میلیونها
جوان در سراسر ایران به تماشای آن می پردازند
و بعضی ها به خاطر تماشای فیلم می‌نشینند و در
آن هنگام کلماتی نظیر این دختر یا این زن چقدر
زیباست و چنین زنانی خیلی ارزش دارند از
زبان نشان شنیده می‌شود. همین کلمات مقدسه ای
می‌شود برای جدایی آنها از همسرانشان ...
(روزنامه جمهوری اسلامی ۲۲ مرداد ۱۳۶۵)

فرهنگ غنی قبر

"... انسان باید در دوران عرش چگونه اسم
داشته باشد و رویایش چگونه باشد. مراسم و
نامگذاری چگونه باشد و قبر رفتن چگونه
باشد. ما يك چنین فرهنگ غنی را در اسلام
داریم" (موسی اردبیلی - نماز جمعه - روزنامه
جمهوری اسلامی ۴ مرداد ۱۳۶۵)

"... مؤمنین و متقین همیشه در فکر منزلت
اول یعنی قبر هستند." (امام جمعه سرستان
- روزنامه جمهوری اسلامی - ۵ مرداد ۱۳۶۵)

تبریک و تسلیت از قبل

سپاه پاسداران جمهوری اسلامی واجدین شرایط
زیرا به عضویت می‌پذیرد:
۱- معتقد به اصل ولایت فقیه
۲- متدین به یکی از ادیان الهی (اسلام)
۳- عدم عضویت در سازمانها، گروهها و احزاب
سیاسی، فرهنگی، معنوی، بهداشتی،
عنفی مذهبی و غیره.

سپاه پاسداران جمهوری اسلامی پیشاپیش به
خانواده های واجدین شرایط و داوطلب
عضویت تبریک و تسلیت عرض می‌نماید.

اندر حکایات ج.ا و جنگ

"ما جنگ طلب نیستیم، دفاع می‌کنیم و
بهترین حمله است"
(هاشمی رفسنجانی - کیهان ۱۸ شهریور ۶۵)

آموزش در آلمان دمکراتیک

مرحله آموزش عالی، دیپلم فنی - حرفه ای و دیپلم عادی ارزش یکسان دارند.

در مراحل آموزش ارتباط بین شهری و پراتیک، ارتباط بین زندگی تحصیلی (مدرسه) ، جامعه و برابری شرایط شهر و روستا در نظر گرفته شده است. در طی ۱۰ سال آموزش عمومی، دانش آموزان فارغ از تعیینات جنسی، عقیدتی و... به شناخت علمی و فرهنگی گسترده ای دست می یابند. آموزش این دوره در برگیرنده علوم اجتماعی، زیبایی شناسی، زبان آلمانی و سایر چندین زبان زنده، دنیا، علوم دقیقه، اطلاعات فنی و حرفه ای و تربیت بدنی است. از گذر هفتم آموزش پلی تکنیک بر اساس تکنیک جدید (شهری و پراتیک)، سازماندهی تولید، اقتصاد، تار جمعی در کارخانجات بزرگ دولتی دنبال می شود.

از سالهای اول آموزش کودکان فعالیت های فوق برنامه از قبیل کار دستی، الکترونیک، آزمایشگاه فیزیک و شیمی، علوم قضایی و همچنین ورزش و هنرهای تجسمی را آغاز می کنند. هدف از این فعالیتها دادن امکان برای پرورش علمی و

در آلمان دمکراتیک آموزش با مهد کودک آغاز می شود. همزمان با ساعات کار والدین، بیشتر از ۹۰ درصد کودکان تا ۶ سال اوقات خود را به ورزش و تفریح و آموزش می گذرانند. در سن ۶ سالگی دوره ده ساله آموزش عمومی پلی تکنیک را شروع می کنند. آموزش این دوره رایگان است و اکثر دانش آموزان این دوره را در سن ۱۶ سالگی به پایان می رسانند. در صورت تمایل و توانایی، آنان می توانند کلاس آمادگی دیپلم را که دو سال بطول می انجامد شروع کنند و یا در آموزش فنی - حرفه ای که سه سال بطول می انجامد، ادامه تحصیل دهند. (از سال ۱۹۸۱ دانش آموزان کلاس یازده و دوازده به ترتیب کمک هزینه تحصیلی برابری ۱۱۰ مارك و ۱۵۰ مارك دریافت دارند) البته این تنها راه برای ورود به آموزش عالی نیست جوانانی که دوره ۱۰ ساله آموزش عمومی و پلی تکنیک را طی کرده اند و در این مدت در حرفه ای مجرب گشته اند، حق ادامه تحصیل در رشته تخصصی - فنی را دارند. از نظر ورود به

طرح شتر مرغی

طرح پرورش شتر و تحقیقات علمی روی نژادها و اصلاح آن به منظور تولید گوشت و شیر و تکثیر مرغ بومی در جلسه شورای عالی کشاورزی که عصر دیروز به ریاست مهندس موسوی نخست وزیر و با حضور اعضا تشکیل شد مورد تصویب قرار گرفت.

به گزارش روابط عمومی نخست وزیر ۰۰۰ مقرر شد که موزه تحقیقات دامپروری با همکاری جهاد سازندگی امر تحقیق پرآمون پرورش مرغ بومی و شتر را به عهده گیرد تا پرورش آنها تبدیل به یکی از منابع تامین گوشت و شیر کشور شود. (کیهان ۱۶ شهریور ۶۵)

پیشنهاد: برای صرفه جویی در هزینه ها، دو طرح پرورش مرغ و شتر در هم ادغام شوند و تبدیل به پرورش شتر مرغ شود!

برنامه ریزی و قاجاتی

"در بین زندانیهای مختلف زندانگاه قصر، اندرزگاه شماره ۶ فاقد سالن ورزشی بود. از شش تنی پیش مسئولین دستور آن به فکر چساره - اندیشی بودند تا این امر با کمک و مساعدت مالی و انواع کمکهای دیگر از طرف برادران زندانی رو به تحقق رفت" (روزنامه جمهوری اسلامی، مرداد ۱۳۶۵)

"زیرسکن و شهرسازی چگونگی سرمایه - گذاری ۱۱۰ میلیارد توانی امسال و برنامه های جدید خانه سازی را تشریح کرد. ۱۰ میلیارد دولت و ۱۰۰ میلیارد مردم" (روزنامه کیهان ۲۷ مرداد ۱۳۶۵)

سیر انجام وظیفه می کنند . در سال ۱۹۸۲ ،
۱۱/۰۰۰ تشکل جوانان و پاشگاه ورزشی در
اختیار ۱/۴۰۰/۰۰۰ جوان آلمانی بود .

تشکیلی ، رشد ابتکار ، پر کردن ساعات بیهنگاری
و کمک به انتخاب شغل آینده ، آنان است .
خانه های پیشاهنگی ، خانه های جوانان ،
دفاتر فرهنگی محلی و موسسات پیشماری در عمین

آموزش های					
شولات مدارس آموزش عمومی					
۱۹۰۰	۱۹۲۰	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۸۲	
۱۸۸۲	۴۰۰۹	۲۲۶۷	۲۴۶۲	۱۲۲۸	تعداد دانش آموز (به هزار)
۷۲	۸۲	۱۴۸	۱۶۹	۱۷۲	تعداد معلم (به هزار)
۲۵	۲۷	۱۹	۱۷	۱۲	تعداد محصل نسبت به معلم
۱۷	۲۷	۲۷	۲۲	۲۰	تعداد محصل نسبت به کلاس
۱۷	۱۲	۱۰	۱۱۱	۱۱۸	تعداد کلاس (به هزار)

مصاحبه با . . .

بقیه از صفحه ۳۶

خلقها و صلح جهانی "آری" بگویند . امید داریم
نه بتوانیم اسالی به خلق های جهان هدیه
بزرگی بدسیم و آن خروج اسپانیا از ناتو باشد .
پیام شما برای جوانان ایران چیست ؟

ج - ما تاکنون بارها همبستگی عمیق و فعال خود
را با جنبش کمونیستی ایران و در پیشاپیش آن
حزب توده ایران نشان داده ایم . دهها بار با
ارسال شکرنامه های اعتراضی ، از مقامات ج - ا
خواستیم که به هیئت پزشکان و وکلای نه خواستار
رفتن به ایران و بررسی وضع جسمانی ، روحی
و قضایی رفقای توده های شده بپردازند ، ویزا دهد
اما سفارت از این خواست دملراتیک ما که بیانگر
خواست میلیونها نفر از مردم مترقی اسپانیا است
خود داری کرده در نتیجه ما در اعتراضی به
شنتجه و اعدام رفقای توده های و دیگر انقلابیون
ایران ، در ماه دسامبر دفتر هواپیمایی ج - ا
در مادرید را به اشغال مسالمت آمیز در آوردیم
تا بدینگونه صدای اعتراضی خود را علیه رژیم
ارتجاعی و جنایتکار ج - ا . به گوش جهانیان
برسانیم . این تلاش ما به پرهیزی رسید و انعکاس
این عمل بطور وسیعی در رسانه های عمومی جهان
دیده شد .

پیام ما به جوانان مترقی ایران که اکنون در
مبارزهای خونین با رژیم ج - ا هستند آن است
نه ما همیشه در کنار انقلابی ترین پیشاهنگ نبود
شما یعنی سازمان جوانان توده بچه ، هستیم
و خواهیم بود .

مطرح می شود ، عملاً به یک هناری مشترک دست
یافتیم .

ج - بهترین زمینه های فعالیت شما کدامند و از
اشغال مبارزهای استفاده می کنید ؟

ج - سازمان ما منتخب آموزش مارکسیست لنینیسم
است و در جهت هدفهای عالی آن مبارزه می کند
ما در جهت بهبود شرایط زندگی جوانان دارای
برنامه هستیم و فعالیت های ورزشی - فرهنگی -
هنری و تفریحی و غیره در شکل و بالا بردن سطح
آگاهی جوانان تلاش می کنیم . ما معتقدیم کسی
ایجاد شرایط لازم جهت ساختن انسان طسراز
نهون جامعه کمونیستی ، بایستی از هم اکنون
انجام گیرد . ما ضمن داشتن قاطعیت در اصول
انعطاف در اشکال عمل را رعیتون کار خود قرار
داده و هر روز عمل خود را غنی تر می سازیم .
سازمان بتواند جایگهی خواستهای جوانان باشد .
از مهمترین فعالیت های ما اکنون مبارزه در جهت
خروج اسپانیا از ناتو است . این مبارزه فقط با
شرکت وسیع جوانان و سازماندهی حرکت های
سیاسی مترقی پیروز خواهد شد . این که دولت
اسپانیا علیرغم خواست خود و امپریالیسم آمریکا
ناگزیر به انجام فرزندم در مورد ادامه حضور
اسپانیا در ناتو می شود ، خود دلیل بزرگی است
حال قدم دیگر این است که اکثریت خلقی در
فرزندم به ناتو نه " و به دوستی و همکاری

محروم از حقوق کودکی



* ۶۰۰ میلیون کودک در کشورهای سرمایه داری در فقر زندگی می کنند و ۲۰۰ میلیون تن از آنان دچار سوء تغذیه هستند .
 ۲/۵ میلیون جوان در ایالات متحد آمریکا حتی به اندازه رفیع کرسنتی هم تغذیه نمی شوند .
 * در اکثر کشورهای آمریکای لاتین یک پنجم کودکان از آموزش ابتدائی محروم هستند . تعداد کودکانی که به مدرسه نمی روند ، در روستاها از این هم بیشتر هستند . در کشورهای آسه آن تنها ۳۵ درصد دانش آموزان می توانند مدارس ابتدائی را به پایان برسانند و ۴۳۵ تا ۵۱ درصد از کودکان و نوجوانان حتی نمی توانند با بستن پیکارند .

* طبق آمار موجود حالهای اولی دهه هشتاد ، نزدیک به ۵۵ میلیون کودک کمتر از ۱۶ سال در کشورهای سرمایه داری مجبور بکار کردن بودند . در پاکستان ، بنگلادش و فیلیپین یک سوم جمعیت حقوق بگیران را کودکان تشکیل می دهند . در آمریکای شمالی ۴۰ درصد کودکان کار می کنند . حدود ۱/۵۰۰/۰۰۰ کودک در ایتالیا و ۲۵۰/۰۰۰ تن در اسپانیا کار می کنند . بیش از ۵ میلیون نوجوان در ایالات متحده آمریکا با انجام کارهایی که برای تندرستی مضر است مجبور به تأمین هزینه زندگی خود هستند .

* حداقل یک سوم نوجوانان (۱۳ تا ۱۶ ساله) انگلیسی بعد از کلاسهای درس خود کار می کنند . کارفرمایان نیمی از آنان را به انجام کارهایی و می دارند که خارج از حد توانشان است .

* با وجود ممنوعیت های رسمی ، خرید و فروش کودکان در ایتالیا ، اندونزی ، جمهوری دومینیکن و پاکستان و برخی کشورهای دیگر رواج دارد . در تایلند ، برای خرید یک کودک مبلغ ۷۰ تا ۱۰۰ دلار به خانواده مقهوری

پرداخت می کنند و سپس از آن به عنوان بستره استفاده می کنند . اما وحشتناکترین نتیجه بیکاری و نبود عدالت اجتماعی وارد کردن کودکان و نوجوانان در عملیات غیر قانونی و جنایتی است ، پسرها را معمولا در قاچاق مواد مخدر و دختران را در تجارت "پورنو" و فحشا وارد می کنند .

* بیش از یک میلیون کودک بدون سرپناه که متوسط سن آنان ۱۵ سال است از سهی مراکز رسمی آمار در ایالات متحده آمریکا سرشماری شده اند . مجله "آمریکائی پاراد" در این مورد می نویسد :

"اکثریت این کودکان از طبقات متوسط یا بالا هستند . بنا بر نوشته این مجله ، خیلی از این کودکان به علت تجاوز جنسی به آسمان ، در خانواده پدری ، بد رفتاری با آنان ، مشکلات تحصیلی ، اعتیاد به مواد مخدر و غیره خانواده شان را ترک کرده اند و برخی دیگر را

* در ایالات متحده آمریکا، موسسات مقدّماتی قبل از دبستان توانایی پذیرش کودکان از میان ۲۷۵ متقاضی را دارند. این نسبت در آلمان فدرال به یک کودک از ۲۰۰ نفر می رسد. و در بریتانیای کبیر، مهد کودکان مساجد تجاریش کمتر از ۱۰ درصد کودکان را دارند.

هم والدین شان "به راحتی" بیرون کرده اند. * در برهمنال، دادگاههای آلمان فدرال باید بطور متوسط در باره ۱۵۰۰ مورد خشونت والدین نسبت به فرزندانشان اظهار نظر کرده و رای بدهند. این "شیبها" غالباً موجب مرگ فرزندان کوچک می شود.

در سوئد، دولت و سرمایه ...

بقیه از صفحه ۲۱

ارتجاع مبارزه کنند *

همچنین اتحادیه جوانان کمونیست سوئد در این سند خواهان حق رای برای مهاجرین در انتخابات پارلمان سوئد شده است. سند سیاسی "اتحادیه" پس از تشریح وضع اسفناک تفریحات جوانان سوئد، هدف نهایی "اتحادیه جوانان کمونیست سوئد" را چنین مشخص کرده است:

"ما خواهان تغییر نظام هستیم. هدف ما برچیدن نظام سرمایه داری است. ما نظامی می خواهیم که بر پایه عدالت و همبستگی ساخته شده باشد. ما خواهان سوسیالیسم هستیم. هدف ما ایجاد شرایط لازمه برای اعمال حقیقی قدرت خلق است. انسانها از طریق شوراها کار، شوراها، مدارس، کمیته های مستاجرین در مناطق مسکونی و غیره، در مورد محیط کار و زندگی خود تصمیم خواهند گرفت. با وجود سیستم چند حزبی و پارلمانتاریسم، شرکت خلق در اعمال قدرت اضافه خواهد شد. ..."

بیعدالتی های جامعه رنج نمی برند. عده ای در زندگی لکس بد نیا می آیند. این عده نگران آینده خود نیستند. وضع فرزندان معلمان و پیشه وران بدتر است. از همه بدتر وضع فرزندان کارگسران است. این نه بخاطر آن است که آنها احمق و بیادبند هستند، بلکه بخاطر آن است که جامعه سوئد یک جامعه طبقاتی است. جامعه به شیوهی سازمان داده شده است که بهترین شرایط مساعد را برای فرزندان طبقه ممتاز و بدترین شرایط را برای فرزندان طبقه کارگر ایجاد می کند. سوسیال دمکراتها و غیرهم اینکه دولت سوئد را حلی سالیان متعادی در دست داشته اند، جامعه را بطور بنیادین تغییر نداده اند. در سالهای ۱۹۸۲ تا ۸۵ که سوسیال دمکراتها حکومت را در دست داشتند، ۲۰۰ هزار نفر به تعداد کسانی که برای حداقل زندگی پسه اداره امنیت اجتماعی مراجعه کرده اند افزوده شده. ..."

امضا کنندگان سند سپس خواهان بهبود وضع مسکن جوانان و تغییر نظام آموزشی پسران فرزندان زحمتکشان شده و به مبارزه جوانان برای تامین مسکن از طریق اشغال ساختمانهایی که سرمایه داران به منظور بورس بازی خالی نگاه داشته اند، اشاره کرده اند. در بخش مربوط به تواد پرستی، پذیرش هر چه بیشتر پناهندگان سیاسی خواسته شده است. کسانی که بخاطر جنگ، ترور و خفقان به سوئد پناهنده می شوند، می بایستی پذیرفته شوند. ... سوئدی ها و مهاجرین می بایستی دست در دست هم علیه شرکت های بزرگ، بحران، بیکاری و

x سوئد که یکی از پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری است ۸ میلیون نفر جمعیت دارد. حد و یک میلیون نفر مهاجر در سوئد زندگی می کنند.

"اتحادیه جوانان کمونیست سوئد"، سازمان جوانان "حزب کمونیست چپ" است. "حزب کمونیست چپ" در انتخابات پارلمانی سپتامبر ۱۹۸۰ حد و ۹ درصد آرا را بدست آورد. "حزب کمونیست کارگری" به پارلمان راه نیافت. این حزب هم اکنون نقش مهم و فعالی را در مبارزه بیرون از پارلمان ایفا می کند.

۶۵ مرداد

— محقق ، نماینده کرج در مجلس : در حالیکه آموزش و پرورش تهران سعی دارد مدارس را در حد ۱ یا ۲ شیفت نگه دارد ما در کرج سعی داریم در حد ۳ تا ۴ شیفت نگه داریم و این در صورتی است که هر کلاس ۷۰ الی ۸۰ دانش آموز دارد . در کرج دانش آموزان ۲ روز آن هم جمعا ۵ ساعت در غفته به مدرسه می روند .

جمهوری اسلامی

۱۹ مرداد ۶۵

— نخست وزیر : جهاد دانشگاهی با سلاح ایمان و دانش باید مانع نفوذ دشمنان اسلام به دانشگاهها گردد .

جمهوری اسلامی

۲۱ مرداد ۶۵

— دفتر عمومی وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد کلیه دانش آموزان و هنرجویان و داوطلبان متفرقه رزمندگانه کلاسهای چهارم دبیرستان و هنرستان که در سالهای اول و دوم و سوم متوسطه درس عمومی نداشته اند در امتحانات تشریحی سال چهارم از امتحان عربی معاف هستند .

جمهوری اسلامی

— وزارت فرهنگ و آموزش عالی اعلام کرد به مندرج بهر آن عقب ماندگی درسی دانشجویان که بیش از ۲ ماه در جبهه بوده اند از سوی این وزارتخانه در سبهای فشرده یکماهه تشکیل شده است .

جمهوری اسلامی

۲۶ مرداد ۶۵

— رؤسای آموزش و پرورش سراسر کشور بر لزوم تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش بر اساس تقدم ترکیه بر تحلم تاکید کردند .

جمهوری اسلامی

۲۷ مرداد ۶۵

— دانشگاه علوم و صنایع دفاع از مهر ماه امسال

آغاز بکار می کند .

جمهوری اسلامی

— در حالیکه به علت کمبود فضای آموزشی در منطقه ۱۲ در بعضی از مدارس بصورت ۲ نوبته استفاده می شود ، معاون آموزشی منطقه ۱۲ آموزش و پرورش تهران گفت : در سال گذشته ۱۷ مورد حکم تخلیه داشته ایم .

جمهوری اسلامی

۲ شهریور ۶۵

— بر اساس تصمیم شورای عالی برنامه ریزی از دانشجویان سابق رشته موسیقی دعوت به عمل می آید جهت انجام مراحل فارغ التحصیلی بسا درجه کار دانش و یا ادامه تحصیل در یکی از دوره های دیگر دانشگاهی با معادل سازی ۵۰۰ به دانشگاه غیرعالی زیبا مراجعه کنند .

جمهوری اسلامی

۱۹ شهریور ۶۵

— سپاه پاسداران از کلیه نیروهای آموزش دیده و غیر آموزش دیده جهت سازماندهی عزار گردان از داوطلبان دعوت کرد .

ایران

۱۰ شهریور ۶۵

— در روی فرمان خمینی : از آغاز سال تحصیلی جدید مدارس مخصوص فرزندان شهدا ، اسرا ، مفقودین و جانبازان شروع بکار خواهند کرد . در جهت تحقق این طرح : ۲۵۰ میلیون تومان بودجه ، ۴۵ دبستان مدرسه راهنمایی ، دبیرستان و هنرستان در تهران ، ۶۸ مدرسه و دیگر اماکن در شهرستانها ، ۱۰۰ میلیون تومان از طرف بنیاد مستضعفان ، ۱۰۰/۰۰ متر مربع زمین از موقوفات تخصیص داده شده و ۵٪ مدرسه در حال احداث می باشند .

جمهوری اسلامی

بقیه در صفحه ۴۵

آفریقای جنوبی

دوجوان مبارز "سیغوا اگزیلو" ۲۵ ساله و گذرانس لیکي پايی ۲۰ ساله ، عضو شاخه نظامی کنگره ملی آفریقا (A.N.C) در راه آزادی خلقشان در ماه سپتامبر بدست نژاد پرستان پرتویا اعدام شدند . این دوجوان که مبارزه علیه سرکوب و نژاد پرستی را از دوران نوجوانی خود شروع کرده بودند ، در ماه ژوئن ۱۹۸۱ بوسیله رژیم نژاد پرست دستگیر شدند . علت دستگیری آنها قتل "بن جعین لاگ" عضو سازمان جوانان آفریقای جنوبی و یکی از رهبران قدیمی سازمان دانشجویی (S.A.S.O) بود . بنا به اظهارات این دوجوان در باز پرس های متعدد پلیس ، "بن لاگ" یک عنصر نفوذی در شاخه نظامی کنگره ملی آفریقا بوده و اطلاعات مخفی را به پلیس پرتویا منتقل می کرده است . حاضران در جلسه های دادگاه مردم آفریقای جنوبی همبستگی کامل خود را با این مبارزان راه آزادی اعلام کردند .

شیلی

در ماه سپتامبر سانتیاگو شاهد تظاهرات مختلف بوده است . در این تظاهرات مدتها نگر دستگیر و به مراکز پلیس انتقال داده شدند . در درگیریهای متعدد پلیس با تظاهرکنندگان یک نفر کشته و ۵ نفر زخمی شدند . یکی از رهبران فدراسیون دانشجویان دانشاء کاتولیک شیلی (F.E.U.C) ، "انریک پاری" ، بوسیله گروهی مسلح و ناشناس ریزه شد . "انریک پاری" که با دبیر سازمان "توماس ژوسلین هولتز" همراه بود ، بوسیله چهار اتومبیل محاصره و دستگیر شد . مدتی بعد از این ماجرا پلیس شیلی اعلام کرد که "انریک پاری" یکی از مراکز پلیس پسر می برد .

یونان

بحران اقتصادی و دانشجویان یونان به دنبال تصمیم وزیر آموزش یونان مبنی بر

حذف ۲۵ درصد بودجه آموزش عالی ، شورای مرکزی اتحادیه ملی دانشجویان یونان (E.F.E.E) تصمیم گرفت که جنبش دانشجویی ایسن کشور را علیه این سیاست تجهیز کند . این فشار به پیدجده آموزش عالی در ارتباط با سیاست کل دولت یونان برای مقابله با بحران اقتصادی در این کشور است . سازمانهای دانشجویی و (E.F.E.E) با اعتراض خود به این تصمیم حکومت ، خواهان لغو فوری این تصمیم شدند . بدین منظور در ماه ژوئیه به دعوت (E.F.E.E) ، شهرکهای دانشجویی آتن ، سالونیک ، پاتراس ، لواتینا ، کرس و دیگر نقاط کشور شاهد تظاهرات گسترده دانشجویان علیه سیاست ضد مردمی حکومت بودند . در بیانیه یکی از گروههای های دانشجویی چنین می خوانیم : " دانشجویان اعتقاد دارند که برای پیریزی در این مبارزه ، اتحاد و همکاری کارگران و دانشجویان ضرورت حیاتی دارد " .

دوازدهمین سالگرد قیام پلی تکنیک آتن

به مناسبت بزرگداشت دوازدهمین سالگرد قیام پلی تکنیک آتن ، در ماه ژوئن تظاهرات با شکوهی در مقابل سفارت آمریکا در این شهر انجام شد . تظاهرکنندگان با دادن شعارهای ضد امپریالیستی و مطرح کردن خواسته های صنفی خود نشان دادند که مبارزه دانشجویان پلی تکنیک برای احقاق حقیق خود هنوز ادامه دارد .

نابودباد

بساط

خفقان و شکنجه خلق!

در سال ۱۹۷۳ دانشجویان پلی تکنیک آتن برای اعتراض به سیاست سرکوب رژیم دیکتاتوری و وضعیت بسیار بد اقتصادی یونان، ساختمان دانشگاه خود را اشغال کردند. این اعتراضها به دخالت نیروهای انتظامی و به خون کشیدن آن سرکوب شد ولی مدتی بعد حکومت دیکتاتوری سقوط کرد.

نیجریه

به دنبال تغییراتی که در رهبری دولت نظامی فدرال نیجریه انجام شد، انجمن ملی دانشجویان نیجریه (NANS) در ماه اوت اطلاعیه ای صادر کرد. در آغاز این اطلاعیه می خوانیم: "انجمن ملی دانشجویان نیجریه (NANS) از تغییراتی که در رهبری دولت نظامی فدرال نیجریه صورت گرفت اطلاع پیدا کرد و به همراه دیگر سازمانهای دمکراتیک اقدام رهبری جدید یعنی بر آزاد کردن زندانیان را تأیید می کند." در قسمت دیگری از اطلاعیه آمده است: "آن چیزی که بیش از هر مسئله ما را

آزار می دهد، نادیده گرفتن حقوق اولیه ما، از آن جمله حق همکاری حق سازماندهی، حق بحث بر سر منافع مشترکمان است. در گذشته سرکوب خشن و خونبار مانع از گرد هم آیی دانشجویان می شد. رهبران و اعضای ما با بدترین شکل، مورد ضرب و شتم پلیس قرار می گرفتند، از دانشگاهها و مدارس اخراج و بوسیله سازمان امنیت ملی شکار می شدند. رهبری جدید باید تمام این اشکال برخورد را از بین ببرد. بضرمان، رهبری جدید باید شرایط مثبتی در برخورد با سازمان ما و دیگر سازمانهای روشنفکران بوجود آورد و به نقض حقوق و آزادی شکل و برگزاری کنفرانس در دانشگاهها پایان دهد. این تصمیمها در جهت تأمین منافع ملی خواهد بود."

در آخر اطلاعیه چنین می خوانیم: ما از رهبری جدید انتظار داریم که در اسرع وقت وضعیت زندانیان سیاسی را معلوم کند و خواستار آزادی تمامی هموطنان زندانیان از جمله ابراهیم رفاعی، هارون آرمو و فسی ناهسا هستیم."

جمهوری آلمان و دانشگاههای این دوچ

بقیه از صفحه ۴۳

۱۲ شهریور

— نخست وزیر کابینه وزارتخانه ها و سازمانها را منظم به تخصیص امکانات اضافی خود به جبهه نمود.

ایران

۱۹ شهریور

— مجلس طرح قانونی نحوه مشارکت مردم در امر آموزش و پرورش را تصویب کرد. به موجب ماده واحده این طرح وزارت آموزش و پرورش مکلف است لایحه نحوه مشارکت مردم را در امر آموزش و پرورش و اداره مدارس غیرانتفاعی را ظرف دو ماه تهیه کند و به تصویب مجلس برساند.

ایران

۲۰ شهریور ۶۵

— در سال تحصیلی جدید، از کمالات دوم راهنمایی تا سال آخر دبیرستان درس آموختن نظامی به دروس دیگر افزوده می شود. رحمانی سرپرست واحد مرکزی بسیج سپاه پاسداران: "از ۴۰۰۰ مری مورد نیاز در این امر (آموزش نظامی در مدارس) بیش از ۲۰۰۰ نفر آموزشهای لازم مربیگری را دیده اند و تا ۱۵ مهر ماه بقیه آنها تأمین و آماده دادن آموزش به دانش آموزان می شوند."

— نخست وزیر در دیدار از دانشگاه شریف: "طرحهایی که مورد بازید قرار گرفت اغلب در رابطه با جنبش و نشان دهنده حرکت اصلی امیل جهاد است..."

تا کنون ۶۰ پروژه تحقیقاتی — نظامی درجهاد دانشگاهی صنعتی شریف انجام گرفته است.

جمهوری اسلامی

خواهندگان عزیز، جوانان و دانشجویان ایرانی! خبرهای مربوط به مبارزات و مشکلات جوانان و دانشجویان هموطن را برای ما بفرستید. ارسال اخبار، مقالات، شعر، داستان، طرح، عکس، کاریکاتور، ترجمه و هر مطلب دیگر دوباره جوانان و دانشجویان، کمک ارزنده‌ای در جهت بهبود کارنامه است. پیشنهادات، انتقادات و پرسش‌های خود را نیز برای ما بفرستید. در ستاقیه با "آرمان" نام مستعار برای خود انتخاب کنید، ما در "آرمان" به اساسی مستعار پاسخ می‌دهیم.

ARMAN

REVIEW OF THE FOREIGN BUREAU OF THE ORGANIZATION OF DEMOCRATIC

YOUTH AND STUDENTS OF IRAN

PRICE: 2 D.M. OR ITS EQUIVALENT IN ALL OTHER COUNTRIES

Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

برای سرنگونی جمهوری اسلامی،

مبارزات خود را تشدید کنیم!



students for peace against nuclear war



PUBLISHED BY THE INTERNATIONAL UNION OF STUDENTS

دانشجویان برای صلح و علیه جنگ هسته ای